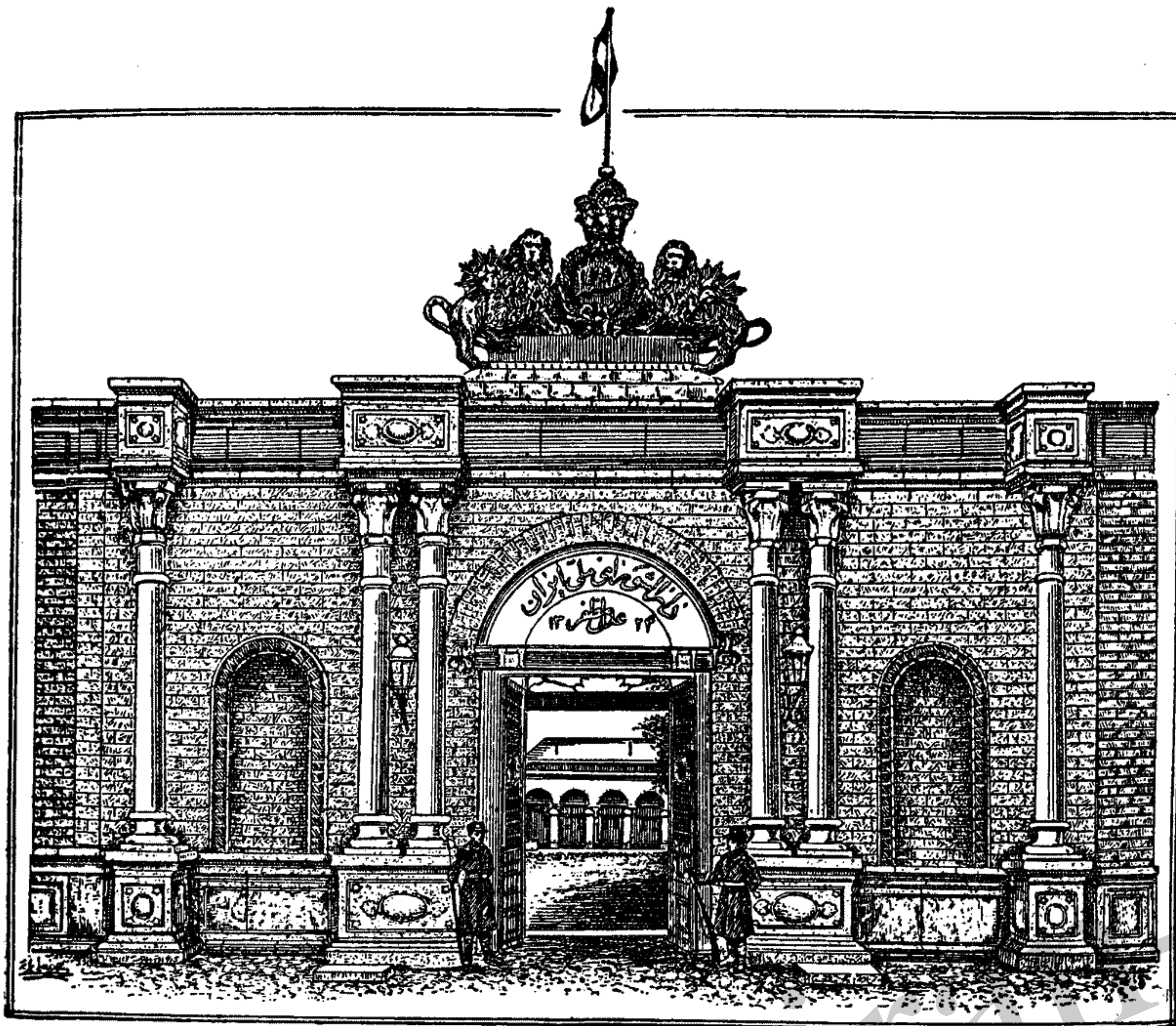


دوره ششم تقنینیه

| | | |
|---|---|--|
| <p>جلسه ۲۲۱</p> | <h1>مذاکرات مجلس</h1> | <p>شماره ۱۸۶</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیله یک شنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p> |

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله بك شنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۲۱

(مجلس سه ساعت از شب گذشته برپاست آقای
پیرنیا تشکیل کردید)
غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: افشار - شریعت زاده - محمد تقیخان اسعد
(صورت مجلس ليله پنجشنبه هفتم اسفندرا آقای
بنی سلیمان قرائت نمودند)
آیة الله زاده اصفهانی
غائبین بی اجازه جلسه قبل

| ردیف | عنوان | از صفحه | الی صفحه |
|------|--|---------|----------|
| ۱ | سؤال آقای فرهمند از آقای وزیر پست و تلگراف راجع به تعطیل تلگراف بی سیم و هم چنین موضوع غرامت سیم تلگراف و جواب آقای وزیر | ۲۹۰۰ | ۲۹۰۱ |
| ۲ | مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به اجازه پرداخت مخارج غیر نایبه وزارتخانهها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ در جزء اعتبارات ۱۳۰۶ و تصویب آن | ۲۹۰۱ | ۲۹۰۶ |
| ۳ | تعقیب مذاکرات نسبت بخر بین الشورین کمیسیون قوانین مالیه راجع به مالیات خالصجات انتقالی و تصویب قانون مزبور | ۲۹۰۷ | ۲۹۲۵ |
| ۴ | تصویب مرخصی آقای ابراهیمی | ۲۹۲۴ | |
| ۵ | قانون مالیات خالصجات انتقالی | ۲۹۲۵ | ۲۹۲۶ |
| ۶ | قانون اجازه منظور داشتن مخارج غیر نایبه وزارتخانهها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزء اعتبارات ۱۳۰۶ | ۲۹۲۷ | ۲۹۲۹ |

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی
 مهدوی - جواهر شیر - میرزا حسنخان وثوق - محمود رضا
 حاج غلامحسین ملک - زنگنه
 در آمده بی اجازه جلسه قبل

آقای حاج شیخ بیات

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در صورت جلسه نوشته شده
 است که بنده پیشنهاد را مسترد کردم، مسترد نکردم،
 مسترد کردم

رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه
 (گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر پست و تلگراف - لایحه اضافات ۳۰۵ در
 چند جلسه قبل اینجا مذاکره شد فقط برای اینکه
 جزئیات آن توضیح داده نشده بود مراجعه شد به کمیسیون
 و کمیسیون اقلام جزء آنرا نوشته اند و با يك تبصره
 که بنظر آقایان میرسد چون موقع میگردد و ده روز
 بیشتر به آخر سال نداریم و اگر تصویب نشود کارهای
 مهمی که ما داریم به تعویق میافتد استدعا میکنم اگر
 آقایان کارم عاجل دیگر ندارند این قضیه را تصویب فرمایند
 بعد بساز کارها اقدام فرمایند

وزیر فواید عامه - دو فقره لایحه است که تقدیم
 ریاست محترم مجلس شورای ملی میشود یکی راجع به امتیاز
 کبریت سازی اصفهان است اعطای امتیاز انحصاری به مدت
 سی سال به آقای اسمعیل آقا افشار و دیگر راجع به
 بیست هزار تومان از اضافه عایدات مالیات راه است در
 ۳۰۶ که برای تعمیر سدهای آذربایجان و رفسنجان و غیره
 تخصیص داده شده است

رئیس - آقای فرهمند از آقای وزیر پست و تلگراف
 سؤالی داشتند

فرهمند - تقریباً در دو ماه قبل بنده دو فقره سؤال

از وزارت پست و تلگراف کردم یکی راجع به تعطیل
 تلگراف بن سیم بود که آن اوقات تقریباً چهار روز تعطیل شده
 بود و بواسطه کسر لوازم بود که با جدیت آقای وزیر پست و تلگراف
 رفع تعطیل شد. یکی هم موضوع غرامت سیم تلگراف
 است در ولایات که فوق العاده اسباب زحمت مردم است
 مخصوصاً خاطر نمایندگان ولایات متوجه است که این
 قضیه که از آثار دوره های ظلم و جور است هنوز باقی
 مانده است و با اینکه هیچ قانون و نظامنامه اجاره
 نداده است که از مردم بعنوان جرم و غرامت پولی گرفته
 شود در اداره تلگراف معمول است تیر و سیمی که سرقت
 میشود بعنوان اینکه در فلان ملک یا در فلان خاک
 سرقت شده است بابتی صاحب ملک از عهده غرامت
 بر آید در صورتیکه هیچکس نمی آید در ملک خودش
 تیر یا سیم تلگراف را سرقت کند بعد هم دچار حبس و
 زجر و غرامت شود. در چندی قبل راجع به این موضوع
 بنده سؤالی از آقای وزیر پست و تلگراف کردم يك
 کمیسیون راجع به این موضوع تشکیل شد بنده و آقای کازرون
 و آقای حقنویس هم حاضر شدیم در آن کمیسیون و مذاکراتی
 شد بعد هم در رؤسای اداره مذاکره کردیم بالاخره معلوم
 شد این پولیکه بعنوان غرامت گرفته میشود مجوز قانونی
 ندارد و در حقیقت يك ظلم فاحشی است که مردم می
 شود: شب مردم در خانه شان خوابیده اند از هیچ جا
 مستحضر نیستند فردا مأمورین می آیند و آنها را میبرند
 بحبس و زجر و يك غرامتی هم از شان می گیرند
 بالاخره در آن کمیسیون قرار شد که راپرت قضیه را به
 هیئت دولت بدهند و آنجا مذاکره کنند که موضوع
 غرامت از بین برود و اگر کسی سیم یا تیر تلگراف را
 سرقت کرد سارق را بدست بیاورند و مطابق قوانین مملکتی
 مجازاتش کنند و غرامت را از او بگیرند خواستم به بینم
 آقای وزیر پست و تلگراف چه اقدامی فرموده اند و نتیجه اش
 بکجا منتهی شده است

وزیر پست و تلگراف - راجع به تلگراف بی سیم

همانطور که خودشان مطلع شده اند تقریباً از یکماه باین
 طرف نواقصی که در بین بود رفع شده است و بطوریکه
 آقایان در جرائد ملاحظه فرموده اند عجالتاً با اروپا
 و آنقره و روسیه مخاره میکنند و همه روزه قریب دو سبت
 سیصد الی چهار صد تلگراف مخاره میکنند و شب و روز
 مشغول هستند و اما راجع به غرامت با حضور خودشان
 و چند نفر از آقایان که در اینجا سؤال کرده بودند
 کمیسیونی تشکیل دادیم و قبل از این هم که آقایان
 سؤالان فرمایند اداره در نظر داشت راجع به این
 موضوع اقدامی نکند و در دو سه محل هم اقدام شد
 ولی معلوم شد اهالی از این اقدام سوء استفاده
 می نمایند. بنده این موضوع را به هیئت دولت
 به عقیده مساعد خودم اطلاع دادم و تذکر دادم
 که اگر این موضوع بر طرف شود و با بودن امنیه و
 نظمی این غرامت از مردم گرفته نشود گناه میکنم
 برای آسایش مردم بهتر باشد و در دو جلسه قبل در
 هیئت وزراء این مسئله مطرح شد و چون اصلاً قانونی
 نبوده است با عقیده کمیسیون موافقت فرمودند و تصمیم
 گرفته شد که این قضیه ملغی شود و در صورتیکه در
 يك جائی اتفاق افتاد از مجرای قانونی اقدام شود و
 مرتکب حقیقی به محاکم صالحه جلب شود تا موافق
 قانون عمومی مجازات شود.

رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده است از آقای
 وزیری که خبر کمیسیون مبتکرات راجع به حقایقه ساوه
 مطرح شود. آقای وزیری

وزیری - سابقاً هم عرض کردم که مدتی است این
 خبر از کمیسیون مبتکرات آمده و منتشر شده است و
 اغلب آقایان هم ملاحظه فرموده اند پنج دقیقه هم بیشتر
 وقت نمیخواهد که قابل توجه و بکمیسیون ارجاع شود

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - بطوریکه خود آقا حس
 فرموده اند هیچکس از آقایان نمایندگان با این طرح

مخالف نیست ولی يك مسئله ایست که آقای وزیر پست
 و تلگراف تقاضا کردند جزو دستور شود قضیه هم مهم
 است اجازه فرمایند همان مسئله جزء دستور شود غیر
 از شبهای احیا هم ما حاضریم تا آخر ماه مبارک همه
 شب حاضر شویم و تمام این کارها را بگذرانیم.
 خوب است آقا هم موافقت فرمایند با پیشنهاد های
 وزیر پست و تلگراف - ما هم با آقا موافقیم

وزیری - بنده هم قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای وزیر پست و تلگراف مخالفی
 ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - ماده اول قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد که
 اعتباراتی که برای مخارج غیر ثابت وزارتخانه ها بابت
 بودجه اضافی ۱۳۰۵ و وزارتخانهها در ضمن قوانین اعتبارات
 اضافی تصویب شده بشرح ذیل جزء اعتبارات ۱۳۰۶
 منظور و تعهد پرداخت آن بر طبق قانون محاسبات عمومی
 صورت گیرد هر قلم یا مبلغی از این اعتبارات در موعد مقرر
 قانونی ۱۳۰۶ تعهد و یا پرداخت نکردد مطابق مواد
 ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی به بودجه ۱۳۰۷ مملکتی
 انتقال داده شده که بمصرف مخارج مصوبه برسد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نواقص این مسئله را در

کمیسیون هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم سنه ۱۳۰۶
 تمام شد و ده روز بیشتر به ۱۳۰۷ نداریم دولت هم
 کاملاً حاضر است بودجه اش را بیاورد و این اعتبارات

حالا که تمام شده است بگذارند از بین برود و در ۳۰۷ دو مرتبه لایحه اش را بیاورند. چرا؟؟ برای اینکه من يك اصلي را كاملاً مواظب هستم و آن اصل این بوده است که چهار پنج سال است در وزارتخانه های ما يك اصلي برقرار شده است که آن اصل صرفه جوئی است این آقایان وزراء در اینجا کم کم شروع کرده اند به يك مسائلی که تحت عنوان صرفه جوئی که احتمال میدهم خزانه ما همیشه بر باشد باین عبارتها و از ماده به آن ماده انداختن کم کم دارند صرفه جوئی را از بین میبرند بنده مکرر عقاید را اینجا پشت تریبون به عرض آقایان رسانده ام با این ترتیب کم کم دارد موضوع صرفه جوئی از بین میبرد. بنده عرض میکنم دولت، اکثریت دارد، فعال هم هست، پس فردا ۱۳۰۷ میشود لایحه این مخارج را بردارند بیاورند اینجا و الا با این طریقی که ما قرار داده ایم موضوع صرفه جوئی دارد از بین میبرد این بود اصل منظور بنده حالا آقای مخبر مختارند

شیروانی مخبر کمیسیون بودجه (در قسمت اول فرمایشاتشان که فرمودند این اعتبارات را برای ۳۰۷ بگذارند با تجربه که خود ایشان وهمه ماها داریم از بطوء جریان امور مسائلی که به مجلس می آید (مخصوصاً در قسمت بودجه) تصدیق خواهند فرمود که اگر این کار را ما به تأخیر بیندازیم يك سال به تأخیر می افتد ما بودجه مملکتی را يكسال ونیم رویش کار کردیم تا توانستیم يك ماه باخرسال مانده تقدیم مجلس کنیم اگر این اعتبارات بماند و در ۳۰۷ نخواهند يك لواجی برای آنها تهیه کنند و به مجلس تقدیم نمایند به کمیسیون بودجه برود و از آنجا به مجلس بیاید تصدیق بفرمائید که عمر مجلس فعلی وفا نمیکند برای تصویب آنها اینها يك مسائل مصون است در مجلس شورایی ملی اینها مطرح و تصویب شده است و البته هر يك باید بجای خودش خرج شود مخصوصاً قسمت سیم کشی، بنا بر این تصور میکنم ایشانهم موافقت بفرمایند يك رای به این لایحه داده شود و بموقع عمل

گذاشته شود، در مسئله صرفه جوئی هم که فرمودند بالاخره يك چیزی است که از بین میبرد. البته صرفه جوئی می شود و این قبیل مخارج نافع هم وقتی با اجازه مجلس شورای ملی باشد در مقابل آن صرفه جوئی گمان نمیکم ضرری داشته باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رأی میگیریم بماده واحده...

دکتر طاهری - دو ماده است
رئیس - پس مذاکرات راجع بکلیات بود. آقای تقی زاده مخالفید؟
تقی زاده - بنده در کلیاتش هم عرضی دارم.
رئیس - پس راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید
تقی زاده - بنده يك مطلبي دارم که برای روشن شدن ذهن خودم که میخواهم رای بدهم لازم است بپرسم و گمان میکنم برای سایر آقایان هم مفید باشد. اگر موقعش حالا نیست و در جای دیگر میتوانم عرض کنم که عرضی ندارم و الا اگر جایش حالا است آقایان اجازه بفرمایند آن مطلب را اظهار کنم بعد رای گرفته شود.
رئیس - در ماده اول هم ممکن است اظهار کنید
تقی زاده - بسیار خوب. در ماده اول عرض می کنم.
رئیس - رأی میگیریم بشور در مواد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد. ماده اول که قرائت شده است مخالفی دارد یا نه؟ آقای تقی زاده
تقی زاده - عرض بنده راجع بیک قسمت از اعتباراتی است که مربوط بسال قبل بوده است چون خوف آنست که سال منقضی شود و بمصرف نرسیده باشد و لازم است بمصرف برسد. گویا مقصود این است که دست دولت بسته نشود و در سال آتی هم بتواند همان اعتبارات را که بواسطه

انقضای سال از بین میبرد بمصرف برساند بنده خواستم به بیدم که این اعتبارات در صورتیکه مجلس بموجب يك قانون صریحی تصویب کرد که در هر سال ده نفر محصل از وزارت قوائد عامه برای تحصیل فنون متعلقه بذوب آهن و راه آهن بخارج فرستاده شود و بقراری که بنده اطلاع پیدا کرده ام تاکنون فرستاده نشده است آیا منظور این است که این اعتبار امسال در سال آینده برای ده نفر محصل امسال و اعتبار سال آینده برای ده نفر سال آینده است و در حقیقت در سال آینده بیست نفر فرستاده خواهد شد؟ اگر این طور است بنده هم باین ترتیب موافقم والا اگر غیر از این باشد یعنی بنا باشد از امسال محصل فرستاده نشود و يك قانون مصوب مجلس از بین برود بنده مخالفم

رئیس - آقای رفیع
حاج آقا رضا (رفیع) - سؤال آقای تقی زاده تقریباً يك سؤالی است و يك تذکری است که اغلب آقایان نمایندگان با این سؤال موافقت ولی خودشان شهادت می دهند که این لایحه آمد در مجلس شورایی ملی مطرح شد. آقایان هم موافقت کردند ولی چون بعضی از آقایان اقلام آنرا بجزء عمیدانستند خواهش کردند که برگردد به کمیسیون بودجه و بجزء نوشته شود که این مخارج برای چیست؟ در کمیسیون بودجه تفکیک شد. يك قسمتش راجع به وزارت خارجه است که برای تعمیرات است و آقایان میدانند راجع به سفارت خانه ما در انگلستان است. راجع به وزارت معارف است، راجع به سیم کشی است، تمام این اقلام مهم است و اگر آنها در امسال خرج نشود دولت باید بتواند در سال آتی این مخارج را بپردازد حالا البته دولت هم هست راجع به اعزام محصل خودشان جواب خواهند داد
مخبر - بنده شنیدم در این قسمتی که آقای تقی زاده تذکر دادند و خیلی هم صحیح بود شورای عالی معارف يك ابرادی گرفته است از نظر اساسنامه شورای عالی

معارف در صورتیکه آموغع که مسئله در مجلس شورای ملی مطرح شد مجلس رای داد که از محل اعتبار عایدات راه آهن برای تعلیم گرفتن ذوب آهن و فنون راه آهن هر ساله ده نفر شاگرد به اروپا بفرستند و این لوازم حتمی راه آهن است و جزء سایر شاگردهائی که باید بفرستند فرستاده شود که تابع اساسنامه شورای عالی معارف باشد نیست و بنده عقیده دارم که شورای عالی معارف صلاحیت نداشته در اینکار دخالت کند

رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - بنده موافقم.
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده
(شرح ذیل خوانده شد)
تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد میکنم:
تبصره - اعتبار مصوبه برای ارسال ده نفر محصل برای فرا گرفتن فنون متعلقه به راه آهن در سال جاری نیز در سال آتی بمصرف معینه خود برسد و از اعتبار ساقط نشود.
رئیس - آقای تقی زاده
تقی زاده - بنده در ماده اول توضیح کردم شاید بواسطه عجله که در نوشتن بوده است عبارت آنطور که باید نوشته نشده و شاید هم بعضی از آقایان بفرمایند که این مطلب ربطی به این لایحه ندارد ولی بنده نمیدانم کجا يك تناسبی پیدا کنم که يك قانونی را بواسطه يك قانون دیگری مؤکد و محکم کنم؟ بنده دو بار رسماً سؤال کردم يك بار از آقای وزیر معارف و یکبار از وزیر قوائد عامه و الان هم تشریف دارند و در مرتبه دوم رسماً به ما اطمینان دادند که در ظرف همین سال این شاگردان فرستاده میشوند. بنده کاری ندارم اگر بواسطه بعضی موانع و بیش آمد ها تاخیری شده باشد حرفی ندارم ولی به مجرد اینکه اسفند گذشت میگویند

این درجه اعتبار ساقط است و سال آتیه همان ده نفر خورش را در بوجه خودش خواهد داشت بنده مقصودی ندارم بهر عبارتی که میخوانند بیان شود. در ضمن ماده یا به شکل تبصره یا ماده الحاقه یا هر نحو که باشد دولت بما اطمینان بدهد که اعتبار ده نفر برای امسال هم در سال آتیه ساقط نمیشود و قانونی که مجلس گذرانده است از بین نخواهد رفت. اگر ممکن است همین تبصره را قبول بفرمایند که اطمینان برای ما حاصل شود یا بطریق دیگر به ما اطمینان بدهند بنده هم حاضر پیشنهاد را پس بگیرم.

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که بدون این تبصره مقصود آقای الحجام شود زیرا این از وجوه مخصوصه و از اعتبار راه آهن است و مربوط بوجوه عمومی و وجوه مملکتی نیست که محکوم به قانون محاسبات عمومی باشد و با انقضای سال هم هیچ تفاوتی در این موضوع پیدا نمیشود و بعلاوه با آقای وزیر فوائد عامه که الان مذاکره میکردیم فرمودند که مطلب قریب بحل شدن است و شورای عالی معارف هم قرار شده است که کاغذی بوزارت فوائد عامه بنویسند و قضیه را حل کنند و وقتی مطلب حل شد البته بوزارت مالیه بنویسند و وزارت مالیه هم این محل را تأمین میکند برای امسال و برای سال آتیه هم با وزارت معارف مطلب حل میشود. در هر حال این يك تعهدی است که میکنیم و چون از وجوه مخصوصه است و از وجوه عمومی نیست چیزی نیست که بعد از انقضای سال مجلس از بین نرود. ولی این مسئله برای بعد از این سابقه نشود.

تقی زاده - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل علاوه شود:

دولت مکلف است پس از تصویب این لایحه سیم تلگراف بین مخره و عبادان را بدون معطلی دائر کند. موقر

رئیس - آقای موقر

موقر - عبادان من حیث عده در عداد شهر های درجه دوم این مملکت محسوب است و من حیث و قور عایدات مملکتی طرف مقایسه با هیچکس از شهر های ایران نیست مگر این شهر از بدو تاسیس و تاکنون از وسائل ارتباط تلگرافی محروم بوده است و اهالی مجبور بوده اند که تلگراف خود را از بین النهرین بخازنه نمایند. چند سال قبل يك رشته سیم تلگراف از عبادان به سمت مخره کشیده شد ولی بواسطه نبودن اعتبار مکفی يك قسمت بسیار جرئی که عبارت از عبور سیم از رودخانه کارون باشد باقی ماند اعتبار این قسمت در اردیبهشت هذمه السنه به تصویب مجلس مقدس رسید ولی به بعضی اشکالات برخورد و پرداخته نشد حالا مجدداً اعتبار عبور سیم از رودخانه کارون در این لایحه منظور شده است محض اینکه مبادا مجدداً دچار اشکال شود این تبصره را بنده پیشنهاد کرده ام که دولت مکلف است پس از تصویب این لایحه سیم بین عبادان و مخره را دائر کند.

مخبر - گویا مقصود ایشان از این پیشنهاد (بدون معطلی است) و بنده نمیدانم چطور میشود این منظور را در قانون نوشت و عمل کرد و الا مقصود ایشان در ضمن اقلام این لایحه هست و دولت هم این کار را خواهد کرد.

موقر - پیش از اینهم مجلس تصویب کرد و نشد

مخبر - سایر اقلام هم همین طور است

رئیس - گمان می کنم نشود به این پیشنهاد رأی گرفت.

بعضی از نمایندگان - صحیح است

موقر - اگر آقای وزیر تعهد کنند بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود که اعتبارات مصوبه ضمیمه این ماده طبع در ماده علاوه شود مطابق صورت ضمیمه بعضی از نمایندگان - طبع شده است

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - در صورتیکه صورت اعتبارات طبع شده است بطوری که بنده میشنوم و آقایان اعضاء کمیسیون میفرمایند بسیار خوب، ولی خبرش هنوز توزیع نشده است بعضی از نمایندگان - توزیع هم شده است.

رئیس - منظور جنابعالی گویا نامین شده است در

ضمن ماده نوشته شده است بشرح ذیل

ضیاء - در صورتیکه در ماده نوشته شده است برطبق اعتبارات مصوبه بسیار خوب بنده مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اعتبار سیم ورامین و حضرت عبد العظیم (ع) حذف شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده دارم که بر تمام افراد ماها بنده و تمام آقایان و کلا لازم است که هر خرجی را که بدانند بی فایده و بی مصرف است نکنند و وجه آنرا برسانند به يك مصارفی که با صرفه بحال مملکت باشد. از جمله چیزهایی که بنده میدانم لازم نیست سیم کشی از حضرت عبد العظیم (ع) به شهر ورامین است که اگر این سیم کشیده شود يك دستگاه تلگراف در ورامین و یکی در حضرت عبد العظیم (ع) لازم است در صورتیکه خط تلفن از شهر ورامین به طهران هست و همه ساعت هم اتومبیل می آید و میرود. در این صورت در ظرف سال هم يك نفری پیدا نمیشود که يك تلگراف از حضرت عبد العظیم (ع) به ورامین بدهد فقط چیزی که هست هفت، هشت هزار تومان خرج این سیم کشی میشود و نتیجه

ندارد. از جا های دیگر که بنده خبر ندارم والا آنجا را هم اگر میدانستم بیهوده است مخالفت میکردم اینجا را که خبر دارم و میدانم که بیهوده است باینجهت پیشنهاد کردم حذف شود

رئیس - آقای رفیع

رفیع - خوب بود که نماینده محترم اول لایحه را مطالعه می فرمودند و بعد مخالفت میکردند. مطالعه نکرده نمیشود مخالفت کرد!! اولاً برای این خطی که فرمودید ابداً اعتباری در نظر گرفته نشده است و در لایحه سابق بود. بعلاوه در لایحه سابق هم که بود راجع به سیم کشی بین طهران و ورامین بود و بین حضرت عبد العظیم (ع) و ورامین نبود ولی در این لایحه فعلی اسمی از آن جا برده نشده است. فرض میکنم اگر هم چنین چیزی بود و میخواستند در آنجا سیم تلگراف بکشند ما باید موافقت کنیم. چون دولت اینطور لازم دانسته و در نظر گرفته است و به يك نظری لابد دولت اینطور تصمیم گرفته است دستگاه تلگراف را برای بنده و حضرتعالی که نمیگذارند، بالاخره خوب است آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - رای باید گرفته شود به ماده اول گویا به

این پیشنهاد نمیشود رای گرفت. رای گرفته میشود به ماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - وزارت مالیه و وزارتخانه های مربوطه هر يك در قسمت خود مأمور اجرای این قانون میباشد بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. راجع بکلیات مخالفی نیست؟
(گفتند خیر)

رئیس -- رای گرفته میشود باین لایحه با اوراق،
آقایان موافقین اوراق سفید خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل
حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۷۵
ورقه کبود علامت رد ۱

رئیس -- عده حاضر ۹۶ با ۷۵ رای تصویب شد.
اسامی موافقین -- آقایان: فرهمند -- امام جمعه شیراز
آقا سید جواد محقق -- روحی -- لبقوانی -- ذوالقدر --
افسر -- بهار -- عصر انقلاب -- خواجگی -- دشتی --
کی استوان -- عبادی -- احتشامزاده -- دادگر -- کلالی
شیروانی -- میرزا عبدالحسین -- وزیر -- نوبخت -- ملک مدنی
اسفندیباری -- میرزا سید مهدی معتمد -- بالیزی -- خطیبی
بدر -- کازرونی -- حاج آقای حسین زنجانی -- ثقة الاسلام
بروجردی -- عباس میرزا -- ثقة الاسلامی -- میرزا ابراهیم
آشتیانی -- موقر -- امیر حسین خان -- دکتر سنک -- امیر
اسدالله خان عامری -- طباطبائی دبیا -- رفیع -- امامی
خوئی -- سهراب خان ساکنیان -- سلطان محمد
خان عامری -- آقا علی زارع -- مسعود -- میرزا عبدالله خان
وثوق -- یاسائی -- زوار -- جشمینی -- آقا سید حسین آقایان -- مولوی
حیدری -- محمد آخوند -- اعتبار عدل -- دکتر رفیع خان
امین -- ملک ایرج میرزا پور تیمور -- مفتی -- حشمتی
دکتر مصدق -- اسکندر خان مقدم -- ابراهیمی -- ملک
آرایی -- محمد ولی میرزا -- وکیلی طباطبائی -- اسکندری
جهانشاهی -- سید کاظم -- تقی زاده -- فهیمی -- دولتشاهی
بنی سلیمان -- نکمپان -- امام جمعه اهر -- افخمی --
دیوان بیگی -- دکتر لقمان

مخالف: آقای حاج شیخ عبد الرحمن صالحی

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بنحو آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در دستور جلسه امشب اولاً
خالصجات انتقالی در درجه دوم قرصه کارخانه ریسمان
نافی در درجه سوم لایحه چاه آرژین نزد مطرح شود
وزیر مالیه -- با قانون خالصجات انتقالی چون يك
بیشتر نموده است موافقم ولی استدعا میکنم از آقای
فیروز آبادی که اینطور بنمره دستور معین نفرمایند زیرا
يك لوایحی دادیم و با آقایان هم مذاکره شده است من
جمله قانون سجل احوال باید تکلیفش در مجلس معلوم
شود و اختلافاتش در مجلس معلوم شود که برود به کمیسیون
و اصلاح شود و خوب است فعلاً لایحه قانون خالصجات
انتقالی مطرح شود تا بعد تکلیف سایرین معلوم شود

فیروز آبادی -- اجازه میفرمائید

رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی -- عرض میشود این پیشنهادی را که
بنده کردم يك پیشنهادی است که چند مطلب درش
هست اگر معطل نشود هر کدام ده دقیقه یا يك ربع
بیشتر کار ندارد و هر کدام هم خیلی مهم است و چیزهایی
است که بفتح این مملکت تمام میشود. يك کارخانه
است که بیست هزار تومان قرض میخواهد و حالا سه
ماه است که این کارخانه باز شده است و فعلاً این
کارخانه روزی دوازده بگچه نخ میدهد که اگر این قرض
باو داده شود شبانه روزی صد و بیست بگچه نخ خواهد
داد و این لایحه سه ماه است که در مجلس معطل
مانده در صورتیکه ده دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد و
بنده گمان میکنم که با این مسئله اصلاً نمیشود مخالفت
کرد...

رئیس -- چون عده کافی نیست و آقایان تشریف
نمیآورند چند دقیقه تنفس میشود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله
نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- باید به پیشنهاد آقای فیروز آبادی رای گرفته

شود پیشنهاد دیگری هم هست آنها قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود که خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع
بخالصجات انتقالی مطرح شود

بعضی از نمایندگان -- صحیح است

رئیس -- اول رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز

آبادی ..

بعضی از نمایندگان -- مخالفی ندارد

رئیس -- کوباً راجع به پیشنهاد ایشان مخالفت شد

خطیبی -- در قسمت اولش که مخالفی نیست

رئیس -- تجزیه که نکردند. رأی میگیریم اول به

پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به پیشنهاد

آقای دکتر طاهری آقایانیکه موافق هستند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد ماده سوم

(این نوع خوانده شد)

ماده ۳ -- در املاک خالصه انتقالی حداکثر مالیات

خالصگی صدی ۵۰ عایدات متوسط خالص مالکانه است و هرگاه

مالیات معمولی فعلی املاک مزبور اضافه بر صدی ۵۰ مذکور

باشد وزارت مالیه مکلف است نامیزان صدی ۵۰ آنرا تنزل دهد

اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصگی خواهد

بود مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات املاک اربابی

باشد در این صورت وزارت مالیه آنرا تا حد میزان

مالیات املاک اربابی ترقی خواهد داد. از تاریخ تصویب

این قانون تا دو سال وزارت مالیه باید املاک خالصه

انتقالی را ممیزی نموده و مالیات آنها را مطابق مقررات

قانون املاک اربابی معین کند که همه ساله مطالبه و

وصول نماید و اضافه مالیات خالصگی را که فوقاً ذکر

شد بر مالیات اربابی تومانی پنج تومان قیمت کرده از
مالکین سند ذمه بگیرند که به سه قسط متساوی
سالیانه بپردازند و محصول ملسک در هر سال وثیقه
تأدیه قیمت خواهد بود ولو اینکه نقل و انتقالی هم در
ملکش بشود

تبصره ۱ -- مراد از عایدات متوسطه ثلث عایدات
سه ساله اخیر است

تبصره ۲ -- خالصجات انتقالی که در سه سال اخیر

مسلوب المنفعه بوده اند مشمول مقررات قانون مالیات

املاک اربابی خواهند بود

تبصره ۳ -- در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصگی

قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسط پنج سال اخیر حوزه

بلوکی و در املاکی که مالیات معمولی و کنونی آن

تقدیمی است مأخذ خریداری همان مالیات تقدیمی

خواهد بود.

مخبر -- اجازه میفرمائید؟

رئیس -- بفرمائید.

فهیمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) -- اینجا يك

اشتباهی در چاپ شده است و بنده یاد داشت کرده بودم

معهداً نخواندند. در سطر دوم مابین معمولی و فعلی لفظ

پرداختی هست که میشود (معمولی پرداختی فعلی و یکی

دیگر آنجائیکه خواندند ملکش آن. (ش) اضافه است و

ملك است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب يك نظریاتی در این ماده بنده دارم

که آقای مخبر محترم خوب است توجه بفرمایند و در صورتی

که نامین بکنند نظریات بنده را بنده مخالفم را مسترد

میکم. اینجا نوشته است در جزء اول که دولت مکلف

است در ظرف دو سال املاک خالصه انتقالی را ممیزی

کند: این صحیح است ما قانون را مینویسیم و بدست

وزراء میدهیم عمل کنند، من سوء ظن ندارم که آقایان

وزراء بقانون عمل نمیکند. ولی عملی نشدن شاید بواسطه

این است که در مملکت ما اسباب جریان قانون کمتر است و در ظرف مدتیکه در مجلس شورای ملی معین میشود قانون عمل نمیشود، سابقاً برای املاک اربابی گذرانندیم که امروز که سال دوم است باید وزارت مالیه بیاید اینجای و با پیشانی باز بگوید که من تمام مملکت را ممیزی کردم، حالا من نمیتوانم ایزادی به وزیر مالیه بکنم که چرا اجرا نشده است. برای اینکه صداها بلند شده است در طرف آذربایجان و لرستان که نمیشود این قانون را عمل کنند. حالا هر چه هست آنچه نوشته شده بود دو سال و عملی نشد و من نمیتوانم تکلیفی برای وزارت مالیه معین کنم و ناچارم که در اینجا بیک ترتیب دیگری این لایحه را ترتیب بدهیم که عملی شود در این جا در لایحه خاصجات انتقالی ما میگذرانیم و دولت را مکلف میکنیم که قانون را در ظرف دو سال عملی کند اگر نکرد چه میشود؟ شما میگوئید میکند ولی بنده میگویم که عملی نیست و اگر نکرد چه میشود؟ بنده عقیده ام این است که اگر بعد از دو سال ممیزی نشد و وزیر مالیه آنوقت متعذر بیک عذری شد بعد از دو سال ناچار است که آن خالصه انتقالی مطابق املاک اربابی باید مالیات بدهد. چرا؟ چون امروز ما ما با دولت قرار میگذرانیم که در ظرف دو سال ممیزی کند خود آقای وزیر مالیه هم در کمیسیون قوانین مالیه بوده اند و این شرط را قبول کرده اند ما هم از طرف ملت این شرط را قبول میکنیم اما اگر دولت تخلف کرد بیک مجازاتی برای او معین میکنیم. مجازاتی نداریم مگر اینکه بگوئیم بعد از دو سال اگر دولت عمل نکرد و موفق نشد باید آن ملک مثل املاک اربابان مالیات بدهد این بیک موضوع است که عرض کردم و اگر قبول نکردند پیشنهاد میکنم و اگر پیشنهاد هم رد شد اهمیت ندارد، دوم عرضی که دارم این است که بیک کاری این جا کرده اند که هر چه ما میخواهیم گریبان مردم را از دست تحصیلدارها بیرون بیاوریم باز بیک زنجیر دیگر گرفتار میشوند اینجا نوشته

است که محصول ملک هر سال وثیقه نادیه قیمت خواهد بود این عبارت خیلی خوب است، در مجلس هم بیک کسی ایزاد می کنند و بیک کسی هم جواب میدهد و در مقام سؤال و جواب می بینم خیلی خوب است و مشکل نیست اما وقتی بروید در مقام عمل (مأمورین اطراف طهران را میگویم مأمورین ولایات را به بینید که اگر این ماده را بدهید به دست آنها چه خواهند کرد؟ آقای میرزا علی خان خطیبی کاملاً مستحضرند به بنده هم فرمودند و بنده هم در کمیسیون گفتم که دولت اجناس رعایا را هر ساله می آید به اعتبار مالیات (نه مالیات ارضی) احشای خرمن مردم را توقیف میکنند مأمورین مالیه هر سال اول سال یعنی اول تیر ماه جنس را توقیف می کنند که من اطمینان برای گرفتن مالیات ندارم و قسط دوم را که تو باید بدهی من اطمینان ندارم و جنس تمام میشود پس خرمن تو توقیف است تا مالیات را بدهی تمام آقایان از این مسئله مستحضر هستند و تلگرافات هم از نقاط مملکت و از ولایات می آید که مأمورین مالیه خرمن را توقیف کرده اند. چرا برای خاطر اینکه میگوید مالیاتی را که اول میزان باید بدهد اطمینان ندارم و از اول تیر خرمن را توقیف میکند حالا ما اینجا نوشته ایم که خرمن باید وثیقه نادیه قیمت باشد. ولی این خیلی سهل است که اصل جنس وثیقه باشد ولی در مقام عمل و بمجرد اینکه داریم بدست مأمورین مالیه اول فروردین فوراً مأمور مالیه میآید که این جنس باید توقیف باشد و این مسئله سبب می شود که به بیک اشخاصی صدمه میزنند باید رفع زحمت از آنها بشود و این هم بیک مسئله بود که بنده مخالفت دارم و باید بیک طرز سهل تری ماده نوشته شود که بنده را تأمین کند در تبصره اول هم من عرض دارم که نوشته است: مراد از عایدات متوسط ثلث عایدات سه سال اخیر است. عرض کنم ما در ایران واقعه ام آنوقت ایزاداً کاملاً میدانید. بیک جاهائی است که سه

سال بی در پی حاصل ندارد. بیک جائی است پنجسال چهار سال بی در پی حاصل ندارد پس مناظ را سه سال قرار دادن بنده مخالف هستم و باید بیشتر از این قرار بدهید برای اینکه ما می بینیم که بعضی جاها است که گاهی میشود نه سال، ده سال بی در پی حاصل ندارد، مثلاً در شیراز ممکن است بعضی مواقع هشت، نه سال ملخ بیاید و بیک دفعه محصول را از بین میبرد و ده سال هم ملخ نمی آید و حاصلش خوب میشود همینطور است در جاهای دیگر که ممکن است سه سال بی در پی سن بیاید و پنجسال حاصلش خوب و بی آفت بشود پس مناظ را سه سال قرار دادن هم ممکن است ضرر برای صاحب خالصه باشد و هم ضرر برای دولت، در تبصره دوم گرچه وقتی مادو تبصره را پهلوی هم میگذرانیم ممکن است که آن ضرری که به مردم از تبصره اول وارد میآید از تبصره دوم جبران شود ولی بنده این نظر را ندارم، عقیده ام این است که هر دو تبصره درست نوشته شود که هم ملاحظه مردم بشود و هم ملاحظه خزانه دولت را بکنیم مناظ را سه سال قرار دادن با دیدن اینکه آفات غالباً سه سال بی در پی واقع میشود این محل ایزاد است باید پنجسال قرار دهید تا اینکه از هر دو طرف تعدیل بشود والا اگر غیر از این باشد نقض غرض است. در تبصره سوم نوشته است که در موقع تقویم اضافه مالیات خالصگی قدمت جنس مالیات نرخ متوسط پنجسال اخیر حوزه است، اینجا خود کمیسیون ملتفت شده و مناظ را پنجسال قرار داده است وقتی که اینجا پنجسال مناظ اعتبار قرار داده شد در تبصره اول و دوم هم باید مناظ پنجسال قرار داده شود این منظور بنده در اینجا بود حالا به بینم آقای مخبر چه میگویند

مخبر - مقدمه این را باید عرض کنم که در این قانون بعد از اصلاحاتی که بعمل آمده است بالاخره آنچه که تصور میشد نسبت به صاحبان خالصجات انتقالی مساعدت و همراهی شده است مخصوصاً ترتیبی را که از ترکیب

ماده ۳ و ۴ خبر سابق تشکیل ماده ۳ فعلاً پیشنهاد کامل رعایت حال مالکین خالصجات انتقالی بعمل آمده است حتماً این بود همانطور که سابق پیشنهاد شده بود پس از اینکه دولت تفاوت مالیات را معین کرد و قیمتش هم ثابت شد زمه مالکین باشد تا وقتی که متدرجاً بپردازند و مادام که پرداخته اند میبایستی مالیات خالصگی را بدهند و هر وقت که تمام اقساط را پرداختند مالیات ملک اربابی بدهند. اینجا در نتیجه پیشنهاد آقای مدرس و موافقت آقایان بعکس شد یعنی قرار شد که از سال ۱۳۰۷ وزارت مالیه کلیه این املاک را ممیزی کند و مطابق میزان مالیات املاک اربابی مالیات آنها را معین نماید یعنی از ۱۳۰۷ این املاک کلیه مالیات املاک اربابی بدهند و اضافه مالیات را به پنج برابر قیمت کنند و سند زمه از آنها بگیرند و این در حقیقت بیک دینی است که بدولت دارند. بر فرض آنکه در ظرف دو سال ممیزی آنها تمام نشد و حال آنکه تمام میشود بجهت این که املاک خالصه انتقالی در این سنوات همیشه شکایت از زیادی مالیاتش داشته اند و منتهی به رسیدگی و ممیزی شده است و فعلاً خیلی کار سهلی است و بخوبی و آسانی می توانند حق مالک را تشخیص بدهند و مالیات را معین کنند و بیک زحمت فوق العاده از برای وزارت مالیه بجهت تشخیص مالیات آنها نخواهد بود بر فرض اینکه بر فرض محال در آخر دو سال ممیزی تمام نشد مطابق این قانون از اول ۱۳۰۷ مدیون مالیات اربابی هستند و اگر تفاوت از آنها بعنوان مالیات خالصگی مطالبه و در یافت شود از بابت اقساطی و بعد باید بدهند با آنها محسوب خواهند کرد که دیگر آنها در سال آتی مالیات خالصگی نخواهند پرداخت نهایت اگر تشخیص داده نشده بود آن تفاوت قیمت را بابت قیمت اضافه مالیات که بدولت باید بدهند باید با آنها محسوب شود. پس از این حیث اشکالی نیست و اما وثیقه گذاشتن. این را تصدیق میفرمائید که همه مجلس موافق است بمساعدت بایک قسمت از مالکین مملکت

که مالکین خالصجات انتقالی هستند و میخواهیم که به آنها رعایت و ارفاق شده باشد در عین حال باید يك قضیه لازمتری را در نظر بگیریم و آن حفظ بیت المال مملکت است. این قسمت را که ما با آنها میفروشیم و باید از آنها سند ذمه گرفته شود مال اشخاص که نیست، مال بیت المال است و حفظ این قسمت بعهده مجلس شورای ملی است. ما نباید اینجا يك ترتیبی بدهیم و پیش بینی بکنیم مطلب را که بکلی این قسمت از بین برود. وقتی که این مساعدت شد که اینها از اول سال آتیه مالیات املاک اربابی بدهند چه وثیقه خواهد بود که آن ها مالیات خالصگی خودشان را خریداری کنند و قیمت را بپردازند؟ سابق ما در نظر گرفته بودیم که تا وقتیکه خریداری نکرده اند مالیات خالصگی بپردازند. این شرط برداشته شد. دیگر چه مطلبی تضمین خواهد کرد که تا سه سال اینها اقساط خودشان را بپردازند؟ این وثیقه نه فقط برای خالصجات انتقالی باید باشد بلکه برای کلیه مالیاتهایی که به دولت باید بپردازند يك چنین شرایطی باید باشد قانون وصول مالیات ناچار يك شرایطی خواهد داشت که برای مؤدیان چندان خوش آمدنیست ولی البته هر مدیونی باید دین خودش را بپردازد و در این جا شرط فوق العاده نیست محصول ملك وثیقه است البته يك قسمت از بدهی همان است که سابق به عنوان مالیات خالصگی میپرداخته است و فعلا يك قسمت هم باید اضافه بدهد که تا سه سال تمام قیمت تفاوت مالیات را بپردازد و وقتی که وزارت مالیه باید این طلب خزانه را وصول کند و وثیقه دیگری در دست نداشته باشد ناچار است که آن محصول را بعنوان وثیقه در دست داشته باشد تا وقتی که قسط خودش را وصول کند و از اول اردی بهشت هم شروع نمیکند به این کار زیرا آنوقت موقع محصول نیست ولی در سر محصول ناچار باید دولت يك وثیقه داشته باشد. حالا اگر حضرتعالی يك چیز دیگری بنظر نماند بفرمائید اگر طرف قبول واقع شد آنرا

وثیقه قرار میدهیم. و اما نسبت به ثلث عایدات سه سال اخیر وقتی که مالیات این املاک برگشت به صورت مالیات املاک اربابی باید شرایطی را که در قانون مالیات املاک اربابی قید شده است در این جا هم رعایت شود. در آنجا قید شده است بهر ملکی نصف یا بیش از نصف خسارت وارد آمد یا آفت دید باید مالیات آن سال تخفیف داده شود. در املاک خالصه انتقالی هم برفرض اینکه یکسال ملخ یا آفت آمد البته مطابق آن ماده به آنها هم تخفیف داده خواهد شد. طوری نیست که حب المقاطعه باشد که هر ساله مطالبه شود. پس از این حیث هم اگر رعایت یا عدم رعایتی از آنها میشود همان است که با مالکین املاک اربابی میشود و اگر چیزی هم بنظر میرسد ممکن است آقایان بفرمایند شاید بشود در نظر گرفت.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۳ عوض عبارت (محصول ملك در هر سال وثیقه تادیه قیمت خواهد بود) نوشته شود: (و سهم اربابی محصول).

رئیس - آقای عدل

عدل - این پیشنهاد توضیح زیادی لازم ندارد و همان مطلبی است که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. این جا نوشته است: محصول ملك هر ساله وثیقه تادیه قیمت خواهد بود و در صورتی که قیمت رسید آن وقت دولت مجبور است که محصول ملك را توقیف کند و حق خودش را بگیرد، اگر بنویسیم (محصول ملك) آنوقت دولت حق خواهد داشت مال رعیت را هم توقیف کند و حال آنکه مقصود سهم اربابی ملك است

مخبر - صحیح است مقصود هم همین است و محصول تمام ملك نیست سهم اربابی است

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله اول ماده ۳ این طور اصلاح شود حداکثر مالیات خالصگی صدی پنجاه عایدات فرض میشود

رئیس - آقای دادگر

بکنفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم تبصره سوم به قرار ذیل نوشته شود.

تبصره - میزان تسعیر جنسی اضافه مالیات خالصگی هر ملکی بنرخ متوسط پنجسال اخیر در آن محل خواهد بود و در املاکی که مالیات معمولی فعلی آن نقدی است مأخذ خریداری همان مالیات نقدی خواهد شد

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کم قسمت اخیر پیشنهاد بنده مطابق چیزی است که در همین جا هم نوشته شده است ولی قسمت اول در اینجا مینویسد: در موقع تقدیم اضافه مالیات، بنده گمان میکنم اگر نوشته شود در موقع میزان تسعیر بهتر بود از تقویم اضافه مالیات.

بعضی از نمایندگان - تقدیم

دهستانی - بله. ولی در اینجا نوشته است در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصگی بعد هم قیمت جنس مالیاتی را نوشته است که معنی ندارد بنده پیشنهاد کردم تسعیر جنس اضافه مالیات خالصگی نوشته شود.

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - منظور آقای دهستانی در این تبصره تا همین شده است و گمان میکنم این عبارت وافی تر است از آن پیشنهادیکه ایشان کرده اند تقدیم هم در مطبوعه اشتباه شده است تقویم است تقویم اضافه مالیات خالصگی

بنده تصور میکنم همین عبارت وافست و خوب است ایشان استرداد بفرمایند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.

در صورتیکه در ظرف دو سال ممیزی خالصه انتقالی بعمل نیامد بعد از دو سال مالیات محلی که ممیزی نشده است مطابق مالیات املاک اربابی پرداخته خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - جوابی را که آقای مخبر فرمودند بنده باز عبارت ماده را میخواهم. هیچ همچو چیزی نبود که دولت در اول ۱۳۰۷ بایست از این املاک مالیات اربابی بگیرد. اگر همچو چیزی بود بنده پیشنهادم را پس میگیرم. ولی این نیست الان دولت در ۳۰۷ همان مالیات را بعنوان منال خالصگی خواهد گرفت. اگر در ۳۰۷ مالیات را اربابی میگرفت و تفاوت را بعد میگرفت بنده کاملا موافق بودم. اما اینجور نیست چون ما دیده ایم و این عمل واقع شده است در دو سال ممیزی نمیکند و آن نظری که مجلس داشت و خود دولت داشت که بساط اداره خالصه انتقالی را از بیت بر دارد و این قید را دیگر از مملکت بر دارد این باز باقی میماند. بنده در اینجا يك قیدی را پیشنهاد کردم که دولت را ملزم کند که اول ۳۰۷ بممیزی شروع کند ولی آقای مخبر میفرمایند خیر اول ۳۰۷ دولت باید مالیات را اربابی بگیرد. اگر این ماده چنین چیزی داشت من پیشنهادم را مسترد میکنم و اگر تا همین نکند میترسم مجلس رای ندهد و آنوقت يك مسئله

اساسی از بین برود. اگر آقای وزیر مالیه یا آقای مخبر تأمین میکنند که اگر بعد از دو سال ممیزی بعمل نیامد آن محلی که ممیزی نشده است باید مالیات املاک اربابی بدهد. آنوقت بنده استرداد میکنم و الا رای گرفته شود

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دشتی

(باین ترتیب خوانده شد)

اصلاح عبارتی ذیل را پیشنهاد میکنم: جمله که (همه ساله مطالبه و وصول نماید) از سطر دوم حذف شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - توضیح زیادی ندارد. این جمله بکلی زاید است. برای اینکه بالاخره مالیاتی را که وضع میکنند برای این است که هر ساله بگیرند. این دیگر نوشتن ندارد. باید هر ساله گرفت. اگر اینطور باشد باید نوشت که به خزانه برسانند و حواله بکنند و همه اینها را بنویسند در صورتیکه اینها لازم نیست در قانون ذکر شود

مخبر - پس از توضیح مسئله بنده این پیشنهاد را قبول میکنم مقصود این است که ممیزی که کردند مالیات را از همان قرار بگیرند بعد اضافه مالیات را بخرند ولی اگر این قید را نکنند این مقصود را نمیرساند و ما این جمله را برای همین نوشتیم که باید از حالا شروع بکنند و مالیات اربابی بگیرند و اضافه مالیات را قیمت کنند و از صاحبان آنها سند بگیرند تفاوت در این است حالا اگر بخواهید ممکن است يك كاري بکنیم این جمله را برداریم بنویسیم از ۱۳۰۷ به بعد. ولی گمان می کنم این جمله مقصود آقای آقا سید یعقوب را هم تأمین میکند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دهستانی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره سه پنجسال اخیر نوشته شود سه سال اخیر

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - بنده میدانم که آقایان تصمیم گرفته اند بهیچیک از پیشنهادها رأی ندهند ولی خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم چرا در قسمت عایدات نوشته اند سه سال و در موقع تقویم اضافه مالیات خالصگی نرخ متوسط پنجسال اخیر را نوشته اند؟

علت اینکه در اینجا پنجسال قائل شده اید چه دلیلی داشته است خواهش میکنم اگر نظریه خاصی نیست اینرا هم همان سه سال قرار بدهید

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیل قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای کازرونی

(باین مضمون قرائت شد)

ماده سه را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۳ - مالیات املاک خالصه صدی چهل از عایدات خالص يك خمس از كل عایدات پنجسال اخیر خواهد بود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم بنده چندان اصراری ندارم فقط من باب تذکر میخوام عرض کنم. اگر چنانچه صلاح دانستند آقای مخبر توضیح بدهند که اقلاناً تا اندازه بنده قانع شوم. غرض اصنی یعنی یکی از آن مقاصدی که در تقدیم این لایحه بوده این بوده است. که مالیات را تا اندازه متحد الشکل نمایند. این یکی

از مقاصدشان بوده است. لکن اگر دقت کنند این لایحه مختلف الشکل کرده است مالیات را. مثلاً آقایان بهتر از بنده میدانند که مالیات را که در فرمان معین کرده است ملاک معینی نداشته است. ای بسا املاک بوده است که عایداتش زیاد بوده است لکن مالیاتش بسیار بسیار کم بوده است و آن املاکی را که حقیقه برای آبادی دولت یا شاخص انتقال داده است مالیاتش را زیاد مقرر داشته است. در این قانون هم تعقیب از همان نظریه دولت استبدادی کرده اند. بنده میدانم آخر چه نظری بوده است که این قانون اینطور تنظیم شده است؟ در صورتیکه شما مالیات را از خالص عایدی میگیرید چه فرق میکند که عایداتش کم باشد یا زیاد؟ یا در فرمان زیاد نوشته است یا کم؟ عایدات خالص صدی چهل مقرر بدارید برای کلیه املاک خالصه، اینست معنی متحد الشکل شدن و بنده سوای این معنی دیگری برایش نمی فهمم. حالا اینجا بموجب این قانون بعضی املاک خالصه را بر میگرددانند و اربابی میکنند بدون اینکه دیناری مالیات برایش قائل شوند. بعضی املاک را بر میگرددانند صدی پنجاه. چرا؟ برای اینکه یکوقت مالیاتش زیاد بوده یا یکوقت مالیاتش کم بوده. صدی چهل اگر قائل شدید مالیات متحد الشکل میشود. علاوه بر این در يك قسمت آن عایدات سه سال اخیر را ملاک قرار میدهند که اگر چنانچه آفتی مملک وارد شده باشد بر طبق همان صورتیکه مثلاً مالک میدهد ماخذ مالیات را معین کنند. بنده عرض میکنم سه سال اخیر کافی نیست. بهتر این است که پنجسال قرار بدهند و يك خمس از خالص عایدات مالکانه پنجسال اخیر را مدرک برای مالیات قرار بدهند. اینست عقیده بنده. حالا دیگر خود دانید. هرطور صلاح است رای بدهید.

رئیس - آقای عدل

بعضی از نمایندگان - رای بگیری

عدل - رای بگیری

رئیس - نمیخواهید حرف بزنید؟

عدل - خیر.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می

دانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مفتی

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در صفحه ۲ سطر ۲ بجای عبارت (و اضافه مالیات خالصگی را) نوشته شود (اضافه مالیات خالصگی بر مالیات اربابی را که در فوق ذکر شد)

رئیس - آقای مفتی

مفتی - عرض کنم این يك اصلاح عبارتی است مقصود از اضافه مالیات خالصگی اضافه بر مالیات اربابی است بنا بر این اگر این جمله که ذکر شده است اینطور شود بهتر است (اضافه مالیات خالصگی بر مالیات اربابی را که فوقاً ذکر شده است) اگر آقای مخبر اینرا قبول بکنند بهتر است

مخبر - گمان میکنم اگر دقت بفرمایند همین عبارت بهتر است زیرا در فوق اضافه مالیات خالصگی ذکر شده مالیات اربابی علیحده است مقصود از اضافه مالیات خالصگی که در فوق ذکر شده اضافه بر مالیات اربابی است

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای مفتی آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگر آقای مفتی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای عبارت بسه قسط متساوی سالیانه نوشته شود بسه قسط متساوی در ظرف سه سال

رئیس - آقای مفتی

مفتی - اینجا هم يك اصلاح عبارتی است. مقصود

این است که در ظرف سه سال باید پرداخته شود. سالیانه در اینجا صحیح نیست. مخبر - این عبارت همینطور اصلاح شده است نوشته شده است در سه سال به سه قسط متساوی بپردازند و گمان میکنم مقصود آقای نامین شده است رئیس - پیشنهاد آقای دشتی (باین شکل خوانده شد) اصلاح عبارتی ذیل را پیشنهاد میکنم بجای کلمه (بوده اند) در تبصره ۲ نوشته شود بوده است مخبر - قبول کرده رئیس - پیشنهاد آقای دادگر (باین ترتیب خوانده شد) پیشنهاد میکنم جمله اول ماده اینطور اصلاح شود حد اکثر مالیات خالصگی صدی پنجاه عایدات فرض میشود رئیس - آقای دادگر دادگر - منظور بنده ازین پیشنهاد این بوده است که يك تذکری داده شود. بعد اگر آقای وزیر مالیه با آقای مخبر توضیح بدهند دیگر تعقیب نمیشود. این جمله که برای اول ماده پیشنهاد شده است اگر تفسیرش کنیم مثل این است که حد اکثر مالیات خالصگی ممکن است صدی پنجاه باشد. یعنی این يك فرضی است که ممکن است در ذهن فرض کرد و از این به بالا و از این به پایین را میشود مقیاس معین کرد. برای اینکه در مالیه خودتان سابقه دارید که چطور قوانین را تعبیر میکنند و این عبارت چون يك عبارت مستقلى است ممکن است قطعی تصور کنند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که حد اکثر مالیات صدی پنجاه فرض شود وزیر مالیه - این عبارت بعد از جمله اول بعقیده بنده رفع این نقص را میکند برای اینکه گفته شده است

هرگاه مالیات معمولی پرداختی فعلی املاك مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور باشد وزارت مالیه مكلف است تا میزان صدی پنجاه آنرا تنزل دهد اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصگی خواهد بود. کلالی - یعنی چه؟ وزیر مالیه - یعنی اگر يك خالصه باشد جزء جمع فرمائیش یا مالیات پرداختش که مطابقت دارد با صدی سی و پنج عایدات آن همان صدی سی و پنج را ماخذ مالیات خالصگی قرار بدهیم و پنج را نیز قیمت را از روی همان صدی سی و پنج ماخذ میگیریم. ولی اگر يك ملكى باشد که مالیات خالصگی آن صدی هفتاد عایدات باشد آنرا قانون تنزل می دهد بصدی پنجاه و آن صدی پنجاه ماخذ خریداری خواهد بود این ماده خیلی روشن است و بعقیده بنده هیچ معترضی هر قدر هم کج سلیقه باشد نمیتواند غیر از اینطور طور دیگر بفرماید. دادگر - خیلی خوب بنده استرداد میکنم رئیس - ماده با اصلاحاتی که شده است قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۳ - در املاك خالصه انتقالی حد اکثر مالیات خالصگی صدی پنجاه عایدات متوسط خالص مالکانه است و هرگاه مالیات معمولی پرداختی فعلی املاك مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور باشد وزارت مالیه مكلف است تا میزان صدی پنجاه آنرا تنزل دهد اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصگی خواهد بود مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات املاك اربابی باشد در این صورت وزارت مالیه آنرا تا حد میزان مالیات املاك اربابی ترفی خواهد داد از تاریخ تصویب این قانون منتها در ظرف دو سال وزارت مالیه باید مالیات املاك خالصه انتقالی را مطابق مقررات قانون املاك اربابی معین کند که از ۱۳۰۷ هم سه ساله مطالبه و وصول نمایند و اضافه مالیات خالصگی را که فوقاً ذکر شد بر مالیات اربابی

تومانی پنج تومان قیمت کرده از مالکین سند ذمه بگیرند که در سه سال به سه قسط متساوی بپردازند و محصول ملك در هر سال وثیقه تأدیه قیمت خواهد بود و لو اینکه نقل و انتقالی هم در ملك بشود مخبر - محصول ملك سهمی مالك پیشنهاد شد عدل - سهم اربابی محصول ملك پیشنهاد شد مخبر - بلی صحیح است (بقیه ماده بشرح ذیل خوانده شد) و سهم اربابی محصول ملك در هر سال وثیقه تأدیه قیمت خواهد بود و لو اینکه نقل و انتقالی هم در ملك بشود تبصره اول - مراد از عایدات متوسط ثلث عایدات سه ساله اخیر است تبصره دوم - خالصجات انتقالی که در سه سال اخیر مسلوب المنفعه بوده است مشمول مقررات قانون مالیات املاك اربابی خواهند فرمود تبصره سوم - در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصگی قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسط پنجسال اخیر حوزه بلوکی و در املاکی که مالیات معمولی و کنونی آن نقدی است ماخذ خریداری همان مالیات نقدی خواهد بود رئیس - پیشنهاد جدیدی رسیده است (بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای ضیاء اصلاح میشود که آخر فراز دوم بترتیب ذیل وزارت مالیه مكلف است آنرا تا میزان صدی پنجاه تنزل دهد رئیس - آقای ضیاء ضیاء - این فقط يك اصلاح عبارتی است و خواهش میکنم که آقای وزیر توجه بفرمایند این جا ذکر شده است؛ هر گاه مالیات معمولی پرداختی فعلی املاك مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور باشد وزارت مالیه مكلف است تا میزان صدی پنجاه آنرا تنزل دهد. دو قسم این عبارت خوانده میشود، بنده پیشنهاد کردم نوشته شود. وزارت مالیه مكلف است آنرا تا میزان صدی پنجاه تنزل دهد مخبر - صحیح است. عبارت. همینطور نوشته میشود رئیس - رای گرفته میشود به ماده سوم با این اصلاحی که آقای ضیاء پیشنهاد کردند و قبول شد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده چهارم (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۴ - خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ متصرفین برای مشاهد مشرفه و مساجد و دارالایام و مریضخانه و مدرسه و یا سایر امور خیریه و عام المنفعه وقف کرده اند و یا عوائد آنرا برای امور مذکوره تخصیص داده اند از تاریخ تصویب این قانون مالیات اربابی اخذ میشود و اضافه عایدی که از کسر شدن مالیات خالصگی حاصل میگردد برای توسعه و تکمیل همان مصارفی که واقفین معین کرده اند تخصیص مییابد رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - در اینجا يك عرضی دارم که اگر آقای مخبر نامین بکنند راحت میشوم. ما در اینجا میخواهیم يك محلی را که سابقه پیدا شده است برای مساجد و مشاهد متبرکه تعیین کرده است و این جا مطابق این ماده در واقع میخواهیم يك حرمتی با امور دینی با عام المنفعه بکنیم. ولی باید کاری کرد که دیگر دست مامور مالیه از آنجا کوتاه باشد. ولی مطابق این ماده کوتاه نیست و سه دست در آنجا هست مامور معارف میگوید اینجا وقف است و تعلق بدعا گو دارد، ماموز فواید عامه میگوید اینجا امور عام المنفعه است و بمن

مربوط است، متولی هم میگوید که تولیت این ملک با من است و يك دست رویش میگذارد. آنوقت يك چیزی که ما خواسته ایم برای يك امر خیري تخصیص بدهیم سه مأمور در آنجا دخالت میکنند. این خوب نیست و لا اقل دست يك مأمور را قطع بکنیم یعنی دست مأمور مالیه را قطع کنیم و دستی را که بعنوان مالیات خالصگی دخالت میکند آنرا کوتاه کنیم. محلی را که متصرفین برای مشاهده متبرکه و مساجد وقف کرده اند و باید بمصرف آنها برسد دیگر بعنوان اضافه مالیات خالصگی مأمور مالیه برود آنجا و ببیند رسیدگی کند که چقدر اضافه دارد بنده این را نمیدانم چه خواهد شد؟ و باید فقط همان دست اوقاف باشد حالا هرکاری میکنید طوری باشد که دیگر مأمور مالیه سر وقت آنها نرود

مدرس - ملک اربابی اصلاً شناخته میشود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - منظور آقای آقا سید یعقوب کاملاً تأمین شده است مخصوصاً پیشنهادی شد و این ماده روی این منظور حضرت عالی اصلاح شده است که وزارت مالیه و اوقاف و صحیه هیچکدام از این ادارات دخالت در این کار نداشته باشند فقط اداره اوقاف يك نظارتی در این کار در حدود قانونی که برای او معین شده است دارد و منظور کمیسیون هم همین نظر حضرت عالی بوده است و ماده هم کاملاً روشن است و گمان می کنم خوب باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

روحی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم بگماهد که مهمترین مواد است و بعقیده بنده اگر قانون خالصجات انتقالی حقیقه فایده داشته باشد بواسطه اینماده چهارم است و فقط آقای آقا سید یعقوب يك مخالفت مختصری کردند خوب است اجازه بدهند يك نفر دیگر هم مذاکره کند آنوقت بگویند مذاکرات کافی است. شاید نظریات

آن شخص هم با نظریات آقایان موافقت بکند بيك نفر مخالف تنها قناعت نکنند بگذارند سایرین هم حرف بزنند

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است. آقای عدل پیشنهاد کرده اند که لفظ (از) در اول ماده اضافه شود مخبر - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بآخر ماده چهارم اضافه شود. و نیز عوارض مالیاتی املاك خالصه انتقالی را که دولت برای امور مذکور در این ماده وقف یا اختصاص داده باشد کما فی السابق بهمان مصرف خواهد رسید

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - درین ماده نوشته است خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ متصرفین برای مشاهده مشرفه و مساجد و غیره وقف کرده باشند کما فی السابق عوائد آن بهمان مصرف خواهد رسید و بنده نمیدانم اگر متصرفین شامل حال دولت هم میشود که هیچ بنده پیشنهادم را پس میگیرم و الا اگر شامل حال دولت نشود این را تصدیق میکنید که اغلب جاها هست که همان مالیات خالصگی هم وقف شده است همان مالیاتی هم که از این محل میگرفته اند وقف بيك محل هائی کرده اند و گمان می کنم که ما حالا اگر دولت را مشمول این ماده ندانیم برای ما خوب نباشد - دیگر بسته به نظر آقایان است

مخبر - بنده برای استحضار خاطر آقای دهستانی عرض می کنم دولت هم یکی از متصرفین با مالکین است اگر يك ملکی در تصرف دولت بوده است و وقف

کرده است برای يك امر خیري هیچ تفاوت ندارد یا سایر املاك و این ماده مشمول دولت هم خواهد شد

دهستانی - منظور بنده تأمین شد پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای بیات

(بشرح آن قرائت شد)

اصلاح ماده چهارم را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم. در سطر چهارم بعد از تاریخ تصویب این قانون اضافه شود. آن املاك اربابی شناخته شده الی آخر

رئیس آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - اینجا يك اشکالی آقای آقا سید یعقوب فرمودند که بعقیده بنده تا اندازه وارد است بجهت اینکه ممکن است باز هم عنوان خالصگی در این املاك باقی بماند. ترتیبی که در این قانون نوشته فقط معین میکند که مالیات اربابی گرفته شود. اما تکلیف اینکه این ملک اربابی است یا خالصه معلوم نیست و بنده پیشنهاد کردم که آن ملک جزء املاك اربابی شناخته شده مالیاتش هم مالیات اربابی اخذ شود. این عبارت خالصه و اربابی دو عبارت است در مقابل هم. ممکن است ملک خالصه مالیاتش اربابی باشد این از نقطه نظر عبارت است که آیا چنین ملکی ملک خالصه گفته میشود یا اربابی؟ مقصود بنده این است

مخبر - این جا يك اشکالی پیدا می کند با شرایطی که در ماده اول معین کردیم مطابق آن شرایط املاك کلیه ملک اشخاص شناخته میشود اگر اینجا ما بيك قسمت بخصوص را اختصاص بدهیم مثل این است که مابقی دارای این شرط نیست. ما در ماده اول کلیه این املاك را ملک اربابی شناختیم و مالیات را هم مطابق موادی که پیش گذشت نباشد اربابی بگیرند و تفاوت را خریداری کنند و این قضیه گمان نمی کنم خوب باشد.

بیات - چون این قسمت را که اظهار کردند کافیست

مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل قرائت شد)

نصیه ذیل را پیشنهاد میکنم

اداره صحیه و اداره اوقاف هر يك بنوبه خود ناظر این مخارج هستند

رئیس - آقای روحی

روحی - اگر آقایان اجازه داده بودند که بنده بيك قدری عرایض را کرده بودم دیگر این پیشنهاد را نکرده بودم. ما در اینجا داریم از متن عایدات دولت وقف می کنیم. این مسلم است که ما داریم عایدات دولت را وقف میکنیم برای امور خیریه... مدرس - مالیات است.

روحی - آقای مدرس اجازه بفرمایند. بنده هم ملا زاده ام. در تمام رقبات وقف نوشته است بعد از کسر دیون و مالیات دیوانی و غیره و ما الان داریم مالیات دیوانی را وقف میکنیم...

(همه نمایندگان)

روحی - اجازه بدهند عرض کنم. تمام متون وقف نامه ها قائل شده اند که پس از وضع مالیات و مخارج علی ما قرر الواقف عایدات را بمصارف مخصوص برسانند ما آمده ایم اینجا مالیات را که دولت بعنوان مالیات خالصه انتقالی میگرفته است داریم وقف میکنیم مدرس - خیر بخشیدیم

روحی - بسیار خوب. هر چه بفرمائید برای این باید ناظر معین کنیم اگر مرخصخانه است صحیه باید رسیدگی کند. اگر مشاهده متبرکه و سایر جاها است باید وزارت معارف نظارتی کند مثل موقوفات مرحوم مشیر السلطنه... مرحوم مشیر السلطنه ملک وقف کرده و شاید هم بيك مقدارش خالصه انتقالی باشد وقف کرده است که عایدات آنها را باعراپ شایمی بدهند دولت باید در این مسائل نظارت داشته باشد

بنده عقیده ام این است در این مورد آقای مخبر هم موافقت کنند اداره صحیه در مورد خودش اداره اوقاف هم در مورد خودش نسبت به وجهی که ما از متن مالیات دولت اختصاص بان محل می دهیم نظارت داشته باشند و نگذارند که متولی ها و دیگران بخورند باینکه بعنوان صرفه جوئی جزء وزارت مالیه بشود بعضی از نمایندگان - رای بگیریید

رئیس - این پیشنهاد جدید نیست باید رای قطعی گرفته شود . پیشنهاد آقای مفتی

(بان ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد می کنم در سطر اول قبل از این تاریخ حذف شود
رئیس - آقای مفتی

مفتی - بعقیده بنده هر قدر ما از امور خیریه تشویق و تقویت بکنیم بجا و بموقع است . اینجا نوشته است (خالصات انتقالی که قبل از این تاریخ وقف شده اند برای امور عام المنفعه) بعقیده بنده خالصاتی که در این تاریخ هم وقف شوند اگر مالیات اضافه گرفته میشود آن اضافه مالیات هم بمصرف امور خیریه برسد بهتر است و ضرری هم بعایدات دولت نمیرسد و یک تشویقی هم از امور خیریه شده است .

مخبر - بنده آقای مفتی را مطمئن می کنم که تمام مالکین خالصات انتقالی تمام حواسشان پیدایش این ماده است که این قانون بگذرد و این تفاوت مالیات را ندهند مطمئن باشید که بعد ها هیچکدام وقف نخواهند کرد و اینکه ما اینجا نوشته ایم برای اینست که مبادا دبه در بیاورند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر

(بان ترتیب خوانده شد)

اعضا کنندگان اصلاح ذیل را به سطر چهارم در ماده چهارم قانون خالصه جات انتقالی پیشنهاد می نمائیم

رئیس - اشتباه شده است . پیشنهادی بود از آقای دکتر مصدق فراموش شده قرائت شود چون ماده چهار مطرح است ماده چهار سابق در راپورت جدید ماده سه شده است

دکتر مصدق - آن یکی دیگر را بخوانند

رئیس - دیگر نیست پیشنهاد آقای بروجردی

(بشرح آتی قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می کنم بعد از لفظ وقف حبس و وصیت اضافه شود

طبا طبائتی دیبا - تخصیص معنایش همین است

بروجردی - بنده خواستم عرض کنم حالا که دولت موافقت کرده در مورد وقف این کار را بکنند مساعدت بکنند که حبس و وصیت هم ضمیمه بشود آنرا هم که آقای مخبر قبول فرمودند این هم راجع بگذشته است اگر در گذشته یک املاکی حبس شده باشد یا وصیت شده باشد آنها باملاک وقف ضمیمه شود در واقع املاکی که جهات خیریه داشته باشد این یک منافی است برای این مملکت و از این مملکت هم خارج نمیشود

رئیس رای میگیریم به پیشنهاد آقای بروجردی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد . رای میگیریم بماده چهارم بضمیمه پیشنهاد آقای روحی . . .

مرآتق قلی خان بیات - بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

بیات - پیشنهاد آقای روحی گویا در جلسه قبل رد شد و مقام ریاست اینطور تصور فرمودند که قابل توجه شده و حالا باید رای قطعی گرفته شود . در صورتیکه

این اصلاح جدید است .

رئیس - نخبر

رفیع - بقابل توجه بودنش رای گرفته نشده است اول باید بقابل توجه بودن رای گرفته شود

رئیس - اگر رای بقابل توجه بودن بگیریم باید مراجعه شود بکمسیون ولی رای قطعی که بگیریم تکلیفش معلوم می شود

رفیع - پس بنده تجزیه می کنم

رئیس - بسیار خوب اول رای میگیریم بماده بدون پیشنهاد آقای روحی آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . حالا رای میگیریم به پیشنهاد ایشان آقایان که موافقت قیام فرمایند (دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . ماده هشتم .

مخبر - هشتم دیگر مورد ندارد . چون آن ماده برای موقعی بود که فروش آن مازاد اختیاری باشد و یک قسمت منال خالصگی باقی میماند و یک قسمت خریده میشود ولی حالا که کلیه بصورت اربابی در آمد دیگر آن ماده مورد ندارد و باید حذف شود
رئیس - مواد الحاقیه قرائت میشود

(ماده الحاقیه پیشنهاد عدل این قسم قرائت شد)
ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم : ماده الحاقیه - نسبت باملاکی که بموجب ماده اول ملک متصرفین فعلی شناخته میشود هیچگونه دعوائی راجع بزمان تصرف دولت و قبل از آن در محاکم قضائی پذیرفته نخواهد شد (مهمه بین نمایندگان - چرا . . .)

عدل - اجازه بفرمائید این املاک خالصه خیلی کم از آنها هست که دولت و سلاطین قدیم پول داده اند و خریده اند غالباً این املاک یا در مقابل بدهی و بقایای حکام از آنها ضبط شده است یا اینکه مال متمرکزی و

اشرار و این قبیل اشخاص بوده است که دولتهای قدیم پنجاه سال صد سال قبل اینها را ضبط کرده اند حالا که دولت ضبط کرده و سهم خودش را میفروشد دیگر نباید کسی از آن تاریخ ادعائی از آن غاصبین قبول کند و نباید دولت قبول کند . علاوه بر مرور زمان بنده پیشنهاد کردم که در اینجا نوشته شود که محاکم دعاوی آنها را نسبت بدولت نباید قبول کنند ولی اگر شخصی بیاید و نسبت بمالك بعد از خریداری ادعائی بکند قبول کنند ولی نسبت بدولت نباید قبول شود

بعضی از نمایندگان (باهمه) این بی ربط است قانوناً خراب میکنند

[صدای زنك رئیس - امر بسکون]

عدل - اگر چه تا يك حدی در قانون مرور زمان معین شده ولی برای اینکه کاملاً تامین شود این پیشنهاد را کردم که نسبت بدولت دیگر نپذیرند

مخبر - اگر چه تا يك حدی نظر آقا در قانون مرور زمان تامین شده است ولی برای اینکه تکمیل شود بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم

شیروانی - بنده مخالفم

کازرونی - قانون خراب شد . يك مرتبه مردم را بکشید آقا

عدل - بروند ادعا کنند و بپزند ؟

کازرونی - مردم حق حیات دارند آقا این پیشنهادات یعنی چه ؟

[همه نمایندگان - صدای زنك رئیس]

دشتی - دومرتبه قرائت شود

[بشرح سابق قرائت شد]

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ این ماده الحاقیه که آقای عدل پیشنهاد کردند اگر آقای مخبر باموافقت کمیسیون قوانین مالیه روی خوشی نسبت باین ماده نشان داد برای این بوده است که دولت آن را تعقیب بکنند برای اینکه این گونه دعاوی گذشته از این که برای مردم تولید زحمت میکند يك قدری هم برای دولت تولید اشکالات و مسؤولیت هائی

می کند ولی از برای اینکه برای دولت که انتقال دهنده باشد خاص باشد و همینطور اشخاصی که ممکن است مورد دعوی واقع شوند تکلیفی معین شود. بنده گمان می کنم با پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه الان تقدیم خواهد خواهند کرد بمجلس شورای ملی که ترتیب دعاوی دولت را بامردم و مردم را بدولت تعیین خواهد کرد دیگر این مطلب نگران ندارد و بنده معتقدم که آقای عدل هم خوبست از این پیشنهاد صرف نظر فرمایند بانکه همین اطلاعی که ایشان نداشته و بنده خدمتشان عرض کردم. آقای مخبر هم خوبست از قبول این پیشنهاد صرف نظر فرمایند و بان این پیشنهادی که حالا تقدیم میشود اساس مطلب نامین میشود و اختلاف نظری بی جهت بین آقایان تولید نمیشود.

دادگر - بنده اخطار قانونی دارم
رئیس - به بنده نباید اخطار قانونی فرمائید.
دادگر - تذکر قانونی دارم.
رئیس - حالا که برای نمیکیریم می رود به کمیسیون.
عدل - اجازه می فرمائید؟
رئیس - می خواهید پس بگیری؟
عدل - بله با آن ترتیبی که فرمودند نظر بنده نامین شد
دادگر - پیشنهاد آقای مدرس منظور ایشان را تعیین کرده بود و این پیشنهاد بی مورد بود
وزیر مالیه - صحیح است
رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده
(این قسم قرائت شد)
ماده الحقیقه - وجوه حاصله ...
نابت - تکلیف آن ماده الحاقیه چه شد؟
(صدای زنک رئیس)
نابت - آخر اینکه پس نکرقت ...
(صدای زنک رئیس)
کازرونی - معلوم نشد
رئیس - (خطاب به آقای نابت) چه می فرمائید آقای؟

نابت - عرض کردم تکلیف پیشنهاد آقای عدل چه شد؟ ایشان می گویند پس نکرقتم مخبر هم که قبول کرده

عدل - کی عرض کردم؟

رئیس - آقای پس گرفتید یا نه؟

عدل - بله عرض کردم که پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحقیقه - وجوه حاصله از محل فروش اضافه منال خالصجات انتقالی بحساب خاصی جمع آوری شده به مصرف تاسیس کارخانه قند سازی خواهد رسید

خطیبی - این پیشنهاد خرج است

احتشام زاده - مقصود بنده این است که وجهی که از اضافه مالیات خالصگی جمع آوری میشود مشمول وجوه عمومی مملکتی نبوده و در حساب مخصوص جمع آوری شده صرف تاسیس کارخانه قند سازی شود در جلسه قبیل بنده این پیشنهاد را کردم ولی چون مطلع شدم که هیئت دولت در بودجه ۱۳۰۷ يك مبلغ لازم و کافی برای تاسیس کارخانه اقتصادی در نظر گرفته اند این است که مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای افسر

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد مینامیم بعنوان ماده الحقیقه

اراضی دولتی ی شهری که در تصرف اشخاص است چه به عنوان اجاره طولانی از پنج سال بیشتر یا بعنوان اداء حق الارض بتوانند به پنج برابر اجاره با حق الارض متصرفین ازدولت خریداری نمایند

افسر - عرض می کنم که کلیه يك قسمت عمده یعنی فلسفه مهم وضع این قانون این بود که مردم راحت باشند دولت هم خیلی گرفتار جزئیات نباشد با مردم و يك مالیات های متناسبی باشد و خالصجات

انتقالی هم شبیه سایر املاک باشد و مالیاتهم متحدالشکل باشد و املاک اشخاص اعتبار پیدا کنند عرض کنم که يك مطلب دیگر است که محل ابتلاء است و در غالب شهرها است و آقایان شاید هر کدام در حدود خودشان مسبوق باشند بعضی از اراضی دولتی است که دولت ناچار بوده است بمردم اجاره بدهد مقصود هم اجاره يك سال دو سال نیست بلکه قید شده است که از پنج سال بیلا بیست سال و سی سال اجاره داده اند املاک را و روی آن اراضی دکان و کاروانسرا ساخته اند یا بيك ترتیباتی يك آبادی هائی راه انداخته اند یا بعنوان حق الارض دائمی سالی ده تومان بیست تومان میگیرند و ممکن است اینها را هم از بین برد که مردم راحت باشند دولت هم آسوده شود و حالا خوبست در ضمن این قانون این اجاره را بدولت داد که آنها را مثل سایر خالصجات رفتار کنند همانطور که اینجا مالیات خالصه را اگر بیشتر از صدی ۵۰ هم بود بر میگردداند صدی ۵۰ و به پنج برابر قیمت اضافه مالیات اربابی را بفروشد بنده این جا هم این پیشنهاد را کرده ام که هر چه حق الارض و هر چه اجاره اش است متصرفین آن را به ۵ برابر بتوانند بخرند یعنی مردم ملکشان اربابی باشد و در زحمت نباشند دولت هم از این حیث راحت شود و این اراضی را مثل خالصجات انتقالی بفروشد بمردم. این پیشنهاد بنده بود

وزیر مالیه - این پیشنهاد نماینده محترم قطعاً خودشان هم باید تصدیق فرمایند که موردش در مورد لایحه خالصجات انتقالی نیست ولیکن مواد دیگری پیدا خواهد شد. بنده قبلاً خدمتشان عرض کردم که در این خصوص يك لایحه تقدیم خواهد شد راجع بشرايط وا گذاری اراضی خالصه آن جا اگر این پیشنهاد را فرمایند موافقت خواهد شد ولی در اینجا بنظر بنده موردی ندارد و نمی میکنم که خود نماینده محترم موافقت فرمایند و این پیشنهادشان را مسترد فرمایند.

افسر - حالا که نظر موافقت ندارند عجالتاً مسترد

می کنم تا آن لایحه که میفرمایند بیاید
ضیاء - در قانون بلدی پیشنهاد فرمائید
رئیس - پیشنهاد آقایان. آقا سید یعقوب - ملك مدنی
خطیبی -

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - خالصجات انتقالی که فعلاً در تصرف خورده مالکین است در صورتیکه مقدار متصرفی خورده مالکین قبل از تصویب این قانون بیش از نیمدانك بوده است مالیات آن مقدار تا نیمدانك تابع مالیات املاک اربابی خواهد بود و اضافه مالیات خالصگی مطالبه نخواهد شد

روحی - نیمدانك نیمدانك بالاخره همه اش از بین خواهد رفت

آقا سید یعقوب - اولاً بنده استدعا میکنم اجازه فرمائید توضیح عرض کنم چون آخر مجلس است توجه نمی فرمایند عرض کنم که بنده با يك عقیده ثابتی این پیشنهاد را کردم و مجلس مخبر و وزیر مالیه هم عرض کردم يك چیز غلطی هم نیست که بعضی از آقایان ایراد می فرمایند. شما میدانید در این املاک خالصه انتقالی بقدری خورده مالکین در تمام ولایات گرفتارند که چه عرض کنم و لابد خود آقایان هم مسبوق هستند این است که بنده پیشنهاد کردم این خورده مالکین که کمتر از نیمدانك دارند این ملاحظه را نسبت بانها بکنند و از آنها مالیات املاک اربابی بگیرند و اضافه منال خالصگی دیگر ازشان مطالبه نکنند خیلی هم ملاحظه فرمائید این رعایت بیش از ۵۰ هزار تومان نخواهد بود و امشب يك مرحمتی نسبت بيك مشت رعیت بد بخت و فقیری که در سال جان می کنند و زحمت می کشند و بیش از ۶۰ من گندم گیرش نمی آید کرده اید و رعایت آنها خیلی لازم است و خیلی بموقع و مناسب است که این پیشنهاد را تصویب فرمائید که يك کمکی بانها بشود
حالا خودتان میدانید

رئیس - آقای روحی

آقا سید یعقوب - عضو کمیسیون که نیستند

روحی - ماده الحاقیه است. خیلی متأسف هستم که دوره است و کیل هستی و هنوز نظامنامه را نمیدانی (خنده نمایندگان) بنده با عقیده نماینده محترم کاملاً موافقم ولی ناسف میخورم از اینکه مردم املاکشان را از فردا دوازده نیمی بانک می کنند یکی به همشیره اش میدهد یکی به برادر زاده اش میدهد و تمام این قانون بالاخره از بین خواهد رفت پس خوبست بکمترتبه یک قانونی بنویسند که خالصجات انتقالی ملک اربابی شناخته میشود و هیچ اضافه منال خالصگی اش را هم ندهد اگر نظریه بان راجع بخورده مالک است بنده هیچ مخالفتی ندارم ولی در عمل کنترل آن مشکل است نمیشود بهیچ وجه تشخیص داد که قبل بوده یا بعد بوده بناء علیه بنده عقیده ام این است که خوبست نماینده محترم پیشنهادشانرا مسترد نفرمایند

آقا سید یعقوب - مخبر قبول میکنند

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

[عده قلیلی برخاستند]

رئیس - قابل توجه نشد آقای زوار پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

زوار - عرض کنم که بنده پس میگیرم

[خنده نمایندگان]

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

[این قسم قرائت شد]

ماده الحاقیه - تمام عوائد حاصله از فروش خالصه انتقالی تخصیص داده میشود بسرمایه بانک ملی حاج شیخ بیات - یک قانونی از مجلس گذشت راجع ببانک ملی و یک قسمت مهمش راجع بسرمایه آن بود

در ضمن سرمایه هائی که برای بانک ملی در آنجا پیش بینی شده بود همین مسئله فروش خالصجات انتقالی بود. یکی هم اضافه عایدات ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بود مدرس - آنها که بمصرف رسید

حاج شیخ بیات - و از آن جهت هم که آقای وزیر مالیه فرمودند متخصص بانک کارش گذشته و معرفی شده و عنقریب خواهد آمد بنده این پیشنهاد را کردم که لا اقل نسبت بفروش خالصجات انتقالی آن نظریه را که مجلس قبلاً گرفته بود که تمام وجوه و عوائد حاصله از فروش خالصجات را تخصیص بدهند سرمایه بانک ملی نامین شده باشد. بنده هم این جا آن نظریه مجلس را تایید کردم و پیشنهاد دادم حالا دیگر بسته است بنظر مجلس و نمایندگان محترم

آقا سید یعقوب - این پیشنهاد خرج است نمیشود

رئیس - گمان میکنم این پیشنهاد خرج باشد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - مادام که اضافه مالیات خالصجات انتقالی بفروش نرسیده است نیدم عشر عایدات خالص املاک خالصجات انتقالی برای ایجاد مکاتب در محل تخصیص داده میشود

رئیس - اینهم همین حال را دارد

یاسائی - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

رئیس - بفرمائید

یاسائی - عرض میشود در نظامنامه قید شده است در موقعی که بودجه عمومی مملکتی مطرح نمیشود و کیل پیشنهاد خرج نیست که در بودجه مملکتی شود در قانون مالیات املاک اربابی ما تخصیص دادیم صدی نیم را برای معارف حالا هم از املاک خالصه دولتی همه جا شکایت میکنند

که چرا ما مدرسه نداریم در تمام املاک خالصه خوار یک مدرسه ابتدائی وجود ندارد برای اینکه خالصه اش زیاد است. خوب هر جائی که یک مقدار اراضی و املاک خالصه اش زیاد شد باید مدرسه نداشته باشد؟! اینکه صحیح نیست این که خوب نیست. بنا بر این خوب است دولت موافقت کند. تا این دو سالی که قرار شده خالصه انتقالی بفروش برسد اگر در این دو سال بفروش نرسد یک نیم عسری از آن را تخصیص بدهند برای مکاتب محلی وزیر مالیه - ممکن است اجازه بفرمائید بکمترتبه دیگر قرائت شود؟

(مجدداً شرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - اگر چه همانطوری که از طرف مقام ریاست تذکر داده شد پیشنهاد خرج است ولی برای این که آقایان متذکر باشند که اگر در یک موقعی دولت این پیشنهاد را که خودش در این موقع تذکر داده است قبول نمی کند و پیشنهاد نمیکند برای چیست؟ این قانون با این اصلاحاتی که درش شده است دیگر تفاوت مالیات خالصه انتقالی برای فروش باقی نمی ماند چون از اول سنه ۱۳۰۷ شما گفته اید از این املاک مالیات املاک اربابی گرفته شود بان لحاظ بنده تصور میکنم نظر نماینده محترم در این فکر قبل از این قانون بوده است اما نسبت باصل مطلب که فرمودند در خالصجات دولتی مدرسه تأسیس نشده است برای اینکه مالیات ندارد این هم سابقاً گفته شده است که یک محلی تخصیص داده شود برای اینکه از آن محل بتوانند یک مدرسی در خالصجات ایجاد کنند این قضیه تحت مطالعه است و این را ما از راههای دیگری تأمین خواهیم کرد این پیشنهاد فعلاً نه از نقطه نظر ظاهر پیشنهاد خرج است بلکه اصلاً مورد هم ندارد

یاسائی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگری نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - (خطاب به مخبر) ماده پنجم چه میشود؟

ماده دیگری ندارید؟

مخبر - خیر

رئیس - هفت ماده میشود؟

مخبر - بلی

رئیس - ماده هفتم

(این قسم قرائت شد)

این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است عدل - گذاشته شده باید باشد

رفیع - بی ربط میگوید آقا رأی بگیرید

رئیس - آقایانی که اینجاده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در کلیات مخالفی هست؟

آقا سید یعقوب - بلی بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در اینجا از این است که چند ماده اینجا بنده پیشنهاد کردم و بعقیده خودم هم نافع برای ملت و هم برای دولت بود ولی خدا عمر بدهد بمخبر کمیسیون که قسم بحضرت عباس خورده بود که یک چیز را که محل توجه مجلس هم می شود قبول نکند.

اما مخالفت بنده در اینجا چند چیز است. تمام نظریات بنده و رفقای بنده این است که خالصجات انتقالی که از ۱۳۰۰ تا حالا آمدیم قانون برایش گذاشتیم نظر این بود که نسبت برعابائی که دارای نیم دانگ. نیم عشر - یک فرد و نیم فرد هستند لا اقل دومرتبه مامور دولت سر وقت آنها زود و آنها از این حیث راحت باشند ما پیشنهاد کردیم که آنها از اضافه مالیات خالصگی معاف باشند عده هم با ما هم عقیده بودند. با مخبر هم صحبت کردیم مخبر هم قبول کرد ولی اینجا آمد و مخالفت کرد و

اسباب زحمت آنها هم فراهم شد. چیزی که هست ما در واقع امشب وکیل الدوله واقع شدیم و یک خورده ما ملاحظه رعایا و بچادرکان را که پس فردا این قانون زنجیر کردن آنها میشود نکردیم و این قانون اساساً روی آنها فایده ندارد جز اینکه ما آمدیم و یک پولی برای دولت فراهم کنیم این است که بنده از این جهت با این قانون مخالفم.

وزیر مالیه -- بنده نمی خواهم زیاد مزاحم آقایان بشوم ولی چون آقای آقای سید یعقوب فرمودند که ما این چا وکیل الدوله واقع شدیم خواستم عرض کنم که دولت در این قانون استفاده زیاد نمی کند استفاده دولت دارد فقط این است که موافقت کنند اولاً مالیات این مملکت متحد الشکل بشود ثانیاً برای اینکه مردم از یک تبعیضی که اسباب زحمت شده بود فرغ شود بنده در ضمن این تذکره هم خدمت آقای آقای سید یعقوب عرض میکنم که بعضی اصلاحات در قانون با بعضی موافقت ها هست که ممکن است اساس را کاملاً بر خلاف آنچه که آدم مقصودش است جلوه بدهد ملاحظه فرمائید بنده قانون را دوباره که دقت میکردم و می خواندم چون غالباً پیشنهادهائی که در جلسه میشود و قبول میشود کاملاً ممکن نیست مورد مطالعه واقع شود بنده حالا این قانون را مطالعه میکردم آقای مدرس یک اصلاحی پیشنهاد کرده اند که قبول شده و کاملاً آن نظر آقای عدل را که ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودند تأمین میکرد:

دادگر -- صحیح است

وزیر مالیه -- در این صورت اساساً آن عنوان و آن مذاکره هیچ موردی نداشت. اگر این اصلاحاتی که مرور میشود در آنها یک قدری دقت شود ممکن است بعضی هایش موجب حسن قانون و بعضی دیگرش موجب خراب شدن قانون بشود و اسباب اشکال و زحمت بشود چون نمیشود قبلاً مطالعه و تحقیق کرد. عجالة خواستم این را عرض کنم که دولت از نقطه نظر موافقت

با یک افکاری که سالیان دراز در این مملکت تولید شده بود. این موافقت ها را کرده است و الا استفاده در این کار ندارد.

مخبر -- بنده هم یک جمله را عرض میکنم آقای آقای سید یعقوب فرمودند بنده در خارج راجع به پیشنهاد خودشان صحبت کردند بنده موافقت کردم. فقط علتش این است که گاهی بعضی پیشنهاد آقایان میدهند و بنده هم در خارج موافقت میکنم یعنی آدم مأخوذ بجای میشود و وعده مساعدت میدهد ولی در اینجا یک نظر دیگری است با اینحال بنده مخالفتی نکردم با فرمایشانشان فقط قبول نکردم (خنده نمایندگان)

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کفایت

رئیس -- رای میگیریم باین قانون که مشتمل بر ۷ ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد

کازرونی -- ختم جلسه

یاسائی -- بموجب ماده ۸۵ نظام نامه باید با ورقه رای گرفته شود

رئیس -- رای با ورقه گرفته شود؟

جمعی از نمایندگان -- بلی.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس -- رای میگیریم با اوراق آقایانی که تصویب

می کنند ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۷۲ و ورقه سفید و ۳ ورقه کبور رد شد)

رئیس -- عده حاضر ۹۳ با ۷۲ رای تصویب شد

اسامی موافقین -- آقایان: دکتر طاهری -- آقای سید کاظم محمد ولی میرزا -- اسکندری -- معتمد التوله -- ارباب

کیخسرو -- ابراهیمی -- میرزا محمد تقی بهار -- مسعود روحوردی -- خواجهوی -- محقق -- امام جمعه شیراز -- امیر حسینخان -- دیوان بیگی -- میر ممتاز -- فرشی -- مفتی -- عدل -- بابری -- زارع -- حیدری -- دشتی -- دادگر -- نوبخت -- کلانی -- فرمند -- موقر -- عمادی -- ملک مدنی -- خطیبی -- مولوی -- اهری -- ثقة الاسلامی طباطبائی دینا -- عباس میرزا -- وزیر -- جهانشاهی -- شیروانی -- زوار -- فومنی -- میرزا عبدالحسین -- مرتضی قلیخان بیات -- احتشام زاده -- ذوالقدر -- طباطبائی وکیل -- افسر -- جلالی -- افخمی -- حشمتی -- دکتر لقمان -- میرزا عبدالله خان وثوق -- فهیمی -- حاج میرزا حبیب الله امین دولتشاهی -- فرهمند -- نسی سلیس -- نگهبان -- امامی -- مقدم -- آقایان -- دکتر سنگ یاسابی -- جمشیدی مازندرانی -- اعتبار -- حاج میرزا علی اکبر امین -- پورنیمور دهستانی -- محمد آخوند صالحی لرستان -- آقازاده سبزواری -- بهبهانی اسامی مخالفین

آقایان: ثابت -- کازرونی -- آقا سید یعقوب

رئیس -- آقای عمادی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

حاج آقا رضا رفیع -- اجازه میفرمائید

وزیر عدلیه -- البته آقایان در خاطر دارند که یک

لايحه راجع به ادعای دولت بر مردم و مردم بر دولت

بمجلس تقدیم شد ولی چون مواد خیلی زیادی داشت

سه ماده پیشنهاد شده است که بطریق حکمیت این

دعاری هم حل شود منتهی موارد دعوی را برداشته است

و یک قدری محدود کرده است در هر حال تقاضا میکنم که

مراجعه شود به کمیسیون عدلیه

وزیر معارف -- لایحه استخدام بکنفر فرانسوی برای

اداره کردن عتیقات و موزه و کتابخانه تقدیم میشود

(تقدیم مقام ریاست نمودند)

وزیر مالیه -- بنده راجع بدستور عرضی دارم هر وقت

اجازه میفرمائید عرض کنم

رئیس -- بفرمائید

وزیر مالیه -- اولاً مسئله تعیین جلسات است که البته آن را آقایان هر طور صلاح می دانند تصویب می فرمایند. بنده همین قدر تذکره عرض می کنم که لویج خیلی مهمی است که اگر ما بتوانیم قبل از سال جدید بگذرانیم خیلی کارها تسهیل میشود یکی قانون سبج احوال است که اهمیت آن را لازم نیست عرض کنم قانون سبج احوال یکی از قوانینی است که خیلی مهم است و خوب است جزو دستور گذاشته شود اگر نمایندگان محترم نظری دارند پیشنهاد میفرمایند و نظریه اکثریت آقایان که معلوم شد مراجعه میشود به کمیسیون و اصلاح میشود و بهتر این است آقایان موافقت فرمایند جزو دستور شود یک مسئله دیگری که تقاضا میکنم در جلسه آتی در جلسه اول جزو دستور گذارده شود خبر کمیسیون بودجه است راجع به صدی سه انحصار و گمرک که خیلی مطلب مختصری است و در واقع طرز تصفیه حساب است و موضوع خرج نیست و طرز روشن کردن حساب است و چون آخر سال است اگر بگذرد خیلی کارها تسهیل میشود بعد در درجه دوم قانون سبج احوال را آقایان مطرح کنند

شیروانی -- بنده راجع به لایحه آقای وزیر عدلیه عرض دارم

رئیس -- بفرمائید

شیروان -- چون اختیاری که به کمیسیون عدلیه داده

شد بدون لایحه حکمیت بود و راجع باین لایحه که

امشب تقدیم نمودند فرمودند برود به کمیسیون عدلیه و

چون بنده عقیده ام این است که این لایحه باید بیاید

بمجلس شورای ملی این است که باید ایشان اینجا تذکر

بدهند که این بر طبق اختیار کمیسیون تصویب میشود یا

میآید بمجلس؟

وزیر عدلیه -- عرض میکنم این مسئله البته تکلیفش

روشن میشود مطابق ترتیب اگر باشد البته باید برود

بکمیسیون عدلیه چون فقط آن لایحه حکمیت که قبلاً

تقدیم شد قرار شد در مجلس بیاید از طرف دیگر چون

قانون

مالیات خالصجات انتقالی

مصوب ليله بیستم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده اول - خالصه انتقالی املاکی است که از ۱۳۰۰ قمری باین طرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص درآمده است - املاک مزبور در صورت داشتن یکی از شرایط ذیل ملک مالکین خصوصی که فعلاً متصرف میباشند شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات اینقانون خواهد بود

ا - خالصجاتیکه متصرفین آن اسناد رسمی دفتری شده داشته باشند

ب - خالصجاتیکه تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی انتقالی بودن آن مورد تصدیق دولت و متصرف واقع شده باشد .

ج - خالصجاتیکه تا این تاریخ سی سال در تصرف اشخاص بوده است اعم از اینکه از طرف دولت مورد تعرض و مداخله واقع شده باشند یا نباشند

د - خالصه جیبانی که بیست سال بدون تعرض و مداخله از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است .

تبصره ۱ - مقصود از تصرف اشخاص دستهای مختلفه متصرفین غیر دولت است

تبصره ۲ - خالصجاتی که قبل از ۱۳۰۰ قمری بتصرف اشخاص درآمده است در صورتی که مشمول قسمت (ب) نشود ملک اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی املاک اربابی خواهد بود

ماده دوم - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد - باین ترتیب که یکتفر حکم از طرف وزارتالمالیه و یکتفر حکم از طرف متصرف و یک حکم مشترک بتراضی طرفین معین میشود - در صورت عدم تراضی نسبت بحکم ناک حکمین چهار نفر را معین نموده و یکی از آن چهار نفر بحکم قرعه حکم ناک معین میشود

تصمیم هیئت حکمیت با اکثریت برای طرفین قاطع و غیر قابل اعتراض خواهد بود

وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون موارد اختلاف را کتباً بمتصرفین اخطار نموده رسید دریافت نماید هرگاه متصرفین در ایران باشند از روز اخطار در ظرف شش ماه و اگر در خارج ایران باشند در ظرف یکسال باید خود یا وکیلشان در وزارت مالیه یا در مرکز حوزه ایالتی یا ولایتی که ملک در آنجا واقع است یا مالک در آنجا اقامت دارد حاضر شده و قرار حکمیت را بدهند - هرگاه متصرفین در مدت مزبوره بدون عذر موجه حکم خود را معین نکردند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود و همچنین اگر وزارت مالیه در ظرف مدت مذکوره فوق اعتراض خود را بطرف اخطار نکرد و یا در مدت مقرر حکم خود را تعیین نکرد اعتراض ساقط است و اگر در ضمن جریان حکمیت حکم دولت عمداً در ظرف ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود

تبصره ۱ - مادام که رأی هیئت حکمیت صادر نشده است ملک نباید از تصرف متصرفین خارج شود

تبصره ۲ - نسبت بخالصجاتیکه بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض

اظهار میشود که این هم مثل لایحه حکمیت است این است که این موضوع را بنده بنظر خود مجلس واگذار میکنم و هر طوری که مجلس رای دادند همانطور بشود رای بنده تفاوتی نخواهد کرد

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

شیروانی - تکلیف این لایحه بالاخره معلوم نشد

رئیس - خبر کمیسیون عریض و مرخصی

(این قسم قرائت شد)

نماینده محترم آقای ابراهیمی از روز ۱۵ فروردین برای سرکشی امورات شخصی سه ماه تقاضای مرخصی نموده کمیسیون پس از مطالعه با دو ماه مرخصی ایشان موافق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید
رئیس - رأی میگیریم باین خبر آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی راجع بجلسات .

شیروانی - تکلیف لایحه آقای وزیر عدلیه معلوم نشد

رئیس - می خواهید در جلسه آتی معلوم شود

(پیشنهاد آقای فیروز آبادی این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که شب سه شنبه و پنجشنبه تعطیل شود مجلس .

فیروز آبادی - عرض میشود ایام قتل و عزا داری و شهادت حضرت امیر است و آنقدرها ما باید احترام بگذاریم باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم شب سه شنبه و پنجشنبه جلسات تعطیل شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که ایام احیا است بعد از آنهم ایام عید است و بالاخره يك فاصله طولانی خواهد شد و البته در مسائل مذهبی آنچه که عرف گفته است که ماعتطیل کنیم تعطیل می کنیم شب های احیا را ما معمولاً تعطیل میکنیم و احیا نگاه میداریم . این شب ها برای طاعت و عبادت در نزد ما معهود است ولی قوانینی را چه عید دارد که ما در شب های دیگر بیائیم و بگذرانیم؟ عیبی ندارد که مایک قدری هم اوقات مان را صرف کارهای اجتماعی بکنیم . مگر تصور میفرمائید که این کار هائیکه در مجلس ما میکنیم اینها بر منفعت طبقه مساهبن نیست؟ البته هست ما باید اینجا برای آنها کار کنیم . بالاخره دولت بما تذکر داده است که يك کار های معجلی که بشفع مؤسسات ملی است در پیش است و باید زود تر آنها را رأی داد و البته در شب های غیر از احیاء حاضر میشوم و بانها رای میدهم و زود تر کارمان را تمام میکنیم و در ایام عید يك مسافرنهائی بقم و مشهد میکنیم . در هر حال بنده عقیده ام این است که این دو شب مجلس باشد و بعد تعطیل کنیم يك دفعه چند روز تعطیل کنیم خوبست ایشان هم موافقت فرمایند

رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند .

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . آقایانی که موافقت جلسه ختم شود؟

(گفتند بلی)

حاج میرزا مرتضی - جلسه آتی کی است؟

رئیس - شب سه شنبه است

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

و تصرف دولت است و رفع اختلاف بطریق مذکور فوق بعمل میآید

تبصره ۳ - حکمیت باید در حوزه مالیه که ملک متنازع فیه در آنجا واقع است بعمل آید

ماده سوم - در املاک خاصه انتقالی حد اکثر مالیات خالصکی صدی پنجاه عایدات متوسط خالص مالکانه است و هرگاه مالیات معمولی فعلی پرداختی املاک مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور باشد وزارت مالیه مکلف است آن را تا میزان صدی پنجاه تنزل دهد ، اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصکی خواهد بود مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات املاک اربانی باشد در این صورت وزارت مالیه آن را تا حد میزان مالیات املاک اربانی ترقی خواهد داد .

از تاریخ تصویب این قانون منتهی در ظرف دو سال وزارت مالیه باید مالیات املاک خاصه انتقالی را مطابق مقررات قانون املاک اربانی معین کند که از ۱۳۰۷ همه ساله مطالبه و وصول نماید و اضافه مالیات خالصکی را که فوقاً ذکر شد بر مالیات اربانی تومانی پنج تومان قیمت کرده از مالکین سند ذمه بگیرند که در سه سال سه قسط متساوی بپردازند و سهم اربانی محصول ملک در هر سال وثیقه نادیده قیمت خواهد بود ولو اینکه نقل و انتقالی هم در ملک بشود .

تبصره ۱ - مراد از عایدات متوسط ثلث عایدات سه ساله اخیر است

تبصره ۲ - خالصجات انتقالی که در سه ساله اخیر مسلوب المنفعه بوده است مشمول مقررات قانونی مالیات املاک اربانی خواهند بود .

تبصره ۳ در موقع تقویم اضافه مالیات خالصکی قیمت جنس مالیات نرخ متوسط پنج سال اخیر محاسب است و در املاکی که مالیات معمولی و کنونی آن نقدی است ماخذ خریداری همان مالیات پرداختی نقدی فعلی خواهد بود ماده چهارم از خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ متصرفین برای مشاهد مشرفه و مساجد و دارالایتم و مریضخانه و مدرسه و سایر امور خیریه و عام المنفعه وقف کرده اند و یا عواید آنرا برای امور مذکوره تخصیص داده اند از تاریخ تصویب این قانون مالیات اربانی اخذ میشود و اضافه عایدی که از کسر شدن مالیات خالصکی حاصل میگردد و برای توسعه و تکمیل همان مصارفی که واقفین معین کرده اند تخصیص می یابد

ماده پنجم - صاحبان خالصجات انتقالی میتوانند در عوض وجهی که از بابت قیمت مالیات خالصکی باید بپردازند اسناد و مدارک بر قراری مستمری دیوانی که بتصویب مجلس رسیده باشد واگذار نمایند و وزارت مالیه مکلف است که آن مستمری را چهار برابر نرخ پرداختی سنه ۱۳۰۶ در عوض قیمت مالیات خالصکی قبول نموده و از دفتر وظایف محو کند - هرگاه مستمری واگذار شده مربوط باشخاص دیگری غیر از خریداران مالیات خالصکی باشد خریدار باید سند واگذاری و انتقال قطعی صاحب مستمری را بوزارت مالیه تسلیم نماید که در آتیه ایراد و اعتراضی باقی نماند .

ماده ششم - خالصجاتیکه در نتیجه نمرد یا طفیان بتصرف اشخاص در آمده است و برای دوات بلحاظی استرداد آنها مقدور نبوده است مشمول مواد این قانون نخواهد بود

ماده هفتم - این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته شده و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است اینقانون که مشتمل بر هفت ماده است در جلسه لیله بیستم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

قانون

اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابتة وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزو اعتبارات ۱۳۰۶

مصوب لیله ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی که برای مخارج غیر ثابتة وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارتخانه ها در ضمن قوانین اعتبارات اضافی تصویب شده بشرح ذیل جزء اعتبارات ۱۳۰۶ منظور و تعهد و پرداخت آن بر طبق قانون محاسبات عمومی صورت گیرد - هر قلم یا مبلغی از این اعتبارات در موعد مقرر قانونی ۱۳۰۶ تعهد و یا پرداخت نگردد مطابق مواد ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی به بودجه ۱۳۰۷ مملکتی انتقال داده شده که بمصرف مخارج مصوبه برسد .

ماده دوم - وزارت مالیه و وزارتخانه های مربوطه هر يك در قسمت خود مأمور اجرای اینقانون میباشد این قانون که مشتمل بر دو ماده و صورت ضمیمه است در جلسه لیله هشتم اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا

صورت ضمیمه قانون اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابتته وزارت خانه ها بابت بودجه

اضافی ۱۳۰۵ جزو اعتبارات ۱۳۰۶

صورت مخارجی که در ضمن لوایح اضافی وزارتخانهها برای ۱۳۰۵ تصویب شده

و پرداخت نشده است

| شرح | ماهیهانه | | ملاحظات |
|---|----------|---------|---------|
| | تومان | سالیانه | |
| وزارت پست و تلگراف | | | |
| ۱ اعتبار مخارج مصالح و حمل سیم کشی جدید الی سرحد روسیه و تفاوت قیمت مصالح مزور متناسبت نرخ لبره انگلیسی | ۶۰۴۰۰ | | |
| ۲ اعتبار مخارج ندائی | ۵۳۱۹ | | |
| ۳ « سیم کشیمهای جدید بتشخیص وزارت پست تلگراف | ۴۶۴۱ | | |
| ۴ « « « سرحد ترکیه و روسیه (از طهران به آستارا و از طهران به بازرگان) | ۶۹۸۴۰ | | |
| ۵ اعتبار برای احدث کابل عبادان محمره | ۱۲۵۰ | | |
| ۶ « مخارج ساختمان تلگرافخانه در خسروی | ۱۰۰۰ | | |
| ۷ « « تعمیر خط تلگرافی مشهد سیستان تربت گناباد | ۱۰۰۰۰ | | |
| جمع | ۱۵۲۴۵۰ | | |
| وزارت خارجه | | | |
| ۱ اعتبار مخارج تعمیرات عمارت سفارت ایران در لندن | ۲۵۰۰ | | |
| ۲ « « نصب تلفن برقی کابل | ۵۰۰ | | |
| ۳ « « تعمیرات ابنیه دولتی وزارت خارجه | ۱۱۲۱۱ | ۲ | |
| جمع | ۱۴۲۱۱ | ۲ | |
| وزارت داخله | | | |
| ۱ اعتبار جهت اثابیه برای دوائر حکومتی ولایات | ۶۰۰۰ | | |
| ۲ « « نصب تلفن کابل | ۵۰۰ | | |

| شرح | ماهیهانه | | سالیانه | ملاحظات |
|---|----------|---------|---------|---------|
| | تومان | سالیانه | | |
| ۳ اعتبار برای مرمت و ساختمان عمارات ابالتی و ولایتی و نظمییه های نقاط ذیل از محل صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۵ وزارت داخله : | | | ۱۰۰۰۰ | |
| ایالت آذربایجان | | | | |
| « فارس | | | | |
| « خراسان | | | | |
| « کرمان | | | | |
| ولایت گیلان | | | | |
| « کرمانشاهان | | | | |
| « اصفهان | | | | |
| « قزوین | | | | |
| « یزد | | | | |
| « زنجان | | | | |
| « ملایر | | | | |
| « کردستان | | | | |
| « عراق و گروس | | | | |
| نظمیه های ولایات | | | | |
| عمارت چشمه علی دامغان | | | | |
| جمع | | | ۱۶۵۰۰ | |
| وزارت معارف | | | | |
| اعتبار برای تعمیرات و نواقص اثابیه مدارس ولایات بموجب صورت جزء که بتصویب رسیده است | | | | |
| اعتبار تعمیرات ابنیه متصرفی وزارت معارف در ولایات بموجب صورت جزء | | | | |
| جمع | | | ۱۳۶۱۳ | |
| جمع کل چهار وزارتخانه | | | ۲۰۴۰۸۸ | ۲ |

صورت فوق ضمیمه قانون (اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابتته وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزو

اعتبارات ۱۳۰۶) بوده و صحیح است